

دعا و درمان با کتاب و سنّت

تألیف:

سعید بن علی بن وهف قحطانی

مقدمه

حمد و ستایش خاص خداوند است او را سپاس می‌گوییم و از او استعانت و استغفار می‌طلبیم، و از بدی‌های درون و زشتی‌های نهان به او پناه می‌بریم. هر که را خدایش هدایت کند او را گمراه‌کننده‌ای نیست و هر که او گمراهش کند او را هدایت‌گری نیست و گواهی می‌دهم که معبود به حقی جز خداوند نیست یگانه است و او را شریکی نیست و گواهی می‌دهم که محمد ﷺ بنده‌ی و رسول اوست. درود و سلام فراوان بر او و آل و یاران او باد.

اما بعد:

این خلاصه‌ای از کتابم «الذکر والدعاء والعلاج بالرُقی» می‌باشد که بخش دعای آنرا مختصر نمودم، تا بهره‌گیری از آن آسان گردد و دعاها و نکته‌های سودمند به آن اضافه نمودم، و خداوند را با اسماء نیک و صفات عالی‌اش فرا می‌خوانم که آنرا محض رضای خود قرار دهد، و او ولی و بر آن قادر و تواناست.

درود و سلام خداوند بر پیامبر ما محمد ﷺ

مؤلف

در ماه شعبان 1408 هـ تحریر گردید

فضیلت دعا

﴿ وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ

جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ﴿٦٠﴾ غافر: ۶۰

پروردگار شما می گوید: «مرا به فریاد خوانید تا بپذیرم، کسانی که خود را بزرگتر از آن می دانند که مرا به فریاد خوانند، خوار و پست داخل دوزخ خواهند گشت»

و

﴿ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا

لِي وَلِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴿١٨٦﴾ البقرة: ۱۸۶

«و هنگامی که بندگانم از تو درباره من پرسند من نزدیکم و دعای دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند، پاسخ می گویم، پس آنان هم دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند تا آنان راه را یابند.»

و پیامبر ﷺ می فرماید:

«الدعا هو العبادة» ﴿ وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ ﴾ غافر: ۶۰

«دعا عین عبادت است» پروردگار شما فرموده است: بخوانید مرا تا اجابت کنم

شما را.^۱

و در روایت دیگری می فرماید: «پروردگار بلندمرتبه شما زنده و بالاست. هرگاه بنده اش دستانش را به سوی او دراز کند شرم می دارد آنها را خالی باز گرداند» و

۱. ابوداود، ۸۷/۲ و ترمذی، ۲۱۱/۵ و ابن ماجه، ۱۳۵۸/۲، نکا: جامع الصغیر، ۱۵۰/۲، و ابن ماجه،

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «هیچ مسلمانی خداوند را فرا نمی‌خواند با فراخوانی که در آن گناه و قطع صله رحم نباشد مگر اینکه خداوند با فراخوانی وی یکی از سه چیز را به وی عطاء نماید؛ یا اینکه در استجاب دعاى وی شتاب نماید و یا آنرا برای وی در آخرت ذخیره کند، و یا اینکه بدی و شری همچون خواسته او را از وی باز دارد، صحابه گفتند: پس ما بیشتر دعا می‌نماییم. پیامبر ﷺ فرمود: خداوند بیشتر است»^۱.

آداب دعا و اسباب اجابت

- ۱- اخلاص برای خداوند.
- ۲- دعا با حمد و ستایش خداوند آغاز گردد سپس با درود بر پیامبر ﷺ و ختم آن با درود بر او.
- ۳- قاطعیت در دعا و باور یقینی به اجابت آن.
- ۴- اصرارورزی در دعا و عدم شتاب.
- ۵- حضور قلب در دعا.
- ۶- دعا در آسایش و سختی.
- ۷- تنها از خداوند درخواست گردن.
- ۸- پایین آوردن صدا به طوری که بین پایین بودن و بالا بودن باشد. (خفض الصوت بالدعاء بین المخافتة والجهر)
- ۹- اعتراف به گناه و طلب استغفار از آن و اعتراف به نعمت و شکرگذاری بر آن.
- ۱۰- عدم تکلف در آوردن کلمات موزون در دعا.
- ۱۱- دعا کردن با خشوع و زاری و امید و ترس.

۱. ترمذی، ۵۶۶/۵ و ۴۶۲/۵ و احمد ۱۸/۳، نگاه: صحیح الجامع، ۱۱۶/۵، و ترمذی، ۱۴۰/۳.

- ۱۲- برگرداندن اموال و دارایی غصب شده به صاحبانش همراه با توبه.
- ۱۳- سه بار دعا کردن.
- ۱۴- رو به قبله بودن.
- ۱۵- بلند کردن دستها در دعا.
- ۱۶- وضوء داشتن هنگام دعا در صورت امکان آن.
- ۱۷- عدم تجاوز و تعدی در دعا.
- ۱۸- هرگاه دعا کننده برای دیگری دعا نمود دعا را برای خود شروع نماید.
- ۱۹- با اسماء حسنی و صفات عالیه خداوند و یا با کردار نیکی که خود به آن پرداخته است و یا با دعای مرد زنده‌ای که پیش او حضور دارد به خداوند متوسل شود.
- ۲۰- خوراک، نوشیدنی، و پوشش او از حلال باشد.
- ۲۱- به گناه و یا قطع صله رحم دعا نکند.
- ۲۲- امر به معروف و نهی از منکر نماید.
- ۲۳- دوری جستن از همه گناهان.

اوقات و حالتها و مکانهایی که دعا در آنها اجابت می‌گردد^۱

- ۱- شب قدر
- ۲- در دل شب
- ۳- بعد از نمازهای فرض

۱. به اصل کتاب مراجعه شود، ص ۱۰۱-۱۱۸.

- ۴- میان اذان و اقامه
- ۵- ساعتی از هر شب
- ۶- هنگام اذان برای نمازهای فرض
- ۷- هنگام باریدن باران
- ۸- هنگام آماده شدن برای جهاد در راه خداوند
- ۹- ساعتی از روز جمعه
- ۱۰- و ارجح‌ترین اقوال در مورد اوقات اجابت دعا، آخرین ساعت از ساعت‌های عصر روز جمعه و چه بسا هنگام خطبه و نماز باشد.
- ۱۱- هنگام نوشیدن آب زمزم با نیت پاک
- ۱۲- در سجده
- ۱۳- هنگام بیدار شدن در شب با دعای مأثور در این مورد
- ۱۴- با داشتن وضو بخوابد سپس پاسی از شب بیدار گردد و دعا کند.
- ۱۵- دعا نمودن با دعای: ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾.
- ۱۶- دعا بعد از ستایش خداوند و درود بر پیامبر ﷺ در تشهد اخیر در نماز
- ۱۷- فراخواندن خداوند به اسم اعظم او که هرگاه به آن فراخوانده شود اجابت کند و هرگاه به آن از او درخواست شود عطا نماید.^۱
- ۱۸- دعای مسلمان برای برادر مسلمانش در غیاب وی
- ۱۹- دعای روز عرفه در عرفه (مکه)

۱. به اسم اعظم خداوند در حدیث شماره ۹۴، ۹۵ و ۹۶ از این کتاب نگاه شود.

- ۲۰- دعا در ماه رمضان
- ۲۱- هنگام اجتماع مسلمانان در مجالس ذکر خداوند
- ۲۲- هنگام دعا کردن در مصیبت و گرفتاری با این جمله ها: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
اللَّهُمَّ اجْزِنِي فِي مُصِيبَتِي وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا»
- ۲۳- دعا در حالت روی آوری قلب بر خداوند و فزونی یافتن اخلاص
- ۲۴- دعای مظلوم بر علیه آنکه به او ظلم کرده است.
- ۲۵- دعای پدر برای فرزند و بر علیه فرزندش
- ۲۶- دعای مسافر
- ۲۷- دعای روزه‌دار تا هنگامی که افطار می‌کند
- ۲۸- دعای روزه‌دار هنگام افطار
- ۲۹- دعای نیازمند
- ۳۰- دعای امام عادل
- ۳۱- دعای فرزند نیکوکار برای والدینش
- ۳۲- دعا بعد از وضو گرفتن با دعای مأثور درباره وضو
- ۳۳- دعا بعد از رمی جمره (حج) کوچک
- ۳۴- دعا بعد از رمی جمره میانه
- ۳۵- دعا در درون کعبه و هر کسی در داخل حجر دعا و نماز خواند آن هم جزء بیت است.
- ۳۶- دعا کردن بر روی کوه صفا
- ۳۷- دعا بر روی کوه مروه
- ۳۸- دعا در مشعرالحرام

و فرد مؤمن هر کجا باشد پروردگار خویش را فرا می‌خواند همچنانکه قرآن می‌فرماید:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾ البقرة: ۱۸۶
 «هرگاه بندگانم از تو در مورد من بپرسند من نزدیکم و دعای دعاکننده را هرگاه مرا بخواند پاسخ می‌گویم» ولیکن این اوقات و احوال و اماکن به عنایت بیشتری متمایز گشته‌اند.

دعاهایی از کتاب و سنت

﴿الحمد لله وحده و الصلاة والسلام على من لا نبي بعده﴾

﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (۳۲) ﴿لأعراف: ۲۳﴾
 ﴿رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (۴۷) ﴿هود: ۴۷﴾

﴿رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ﴾ نوح: ۲۸
 ﴿رَبَّنَا قَبَلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (۱۳۷) ﴿رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾ البقرة: ۱۲۷ - ۱۲۸
 ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ﴾ (۴۰) ﴿إبراهيم: ۴۰﴾
 ﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ﴾ (۴۱) ﴿إبراهيم: ۴۱﴾

﴿ رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَالْحَقِّنِي بِالصَّالِحِينَ ﴾ الشعراء: ٨٣

﴿ وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ ﴾ الشعراء: ٨٥

﴿ وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ ﴾ الشعراء: ٨٧

﴿ رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ ﴾ الصافات: ١٠٠

﴿ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبَأْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴾ الممتحنة: ٤

﴿ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴾ الممتحنة: ٥

﴿ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ

وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ﴾ النمل: ١٩

﴿ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴾ آل عمران: ٣٨

﴿ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ﴾ الأنبياء: ٨٩

﴿ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴾ الأنبياء: ٨٧ ﴿ قَالَ

رَبِّ أَسْرَحْ لِي صَدْرِي ﴾ ٢٥ ﴿ وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴾ ٢٦ ﴿ وَأَحْلِلْ عُقْدَةَ مِنْ لِسَانِي ﴾ ٢٧ ﴿ يَفْقَهُوا قَوْلِي ﴾ ٢٨ ﴿

طه: ٢٥ - ٢٨

﴿ قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي ﴾ القصص: ١٦

﴿ رَبَّنَا ءَامَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴾ آل

عمران: ٥٣

﴿ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٨٥﴾ وَبِحَنَاءِ بِرَحْمَتِكَ مِنَّا أَلْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٨٦﴾ ﴾

یونس: ۸۵ - ۸۶

﴿ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴾

﴿ ١٤٧ ﴾ آل عمران: ۱۴۷

﴿ رَبَّنَا إِنَّا مِن لَّدُنكَ رَحِمَةٌ وَهِيَ لَنَا مِن أَمْرِنَا رَشَدًا ﴿١٠﴾ ﴾ الكهف: ۱۰ (طه/۱۱۴)

﴿ وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ ﴿٩٧﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ ﴿٩٨﴾ ﴾

المؤمنون: ۹۷ - ۹۸

﴿ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّحِيمِينَ ﴿١١٨﴾ ﴾ المؤمنون: ۱۱۸)

﴿ رَبَّنَا إِنَّا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿٢٠١﴾ ﴾

البقرة: ۲۰۱

﴿ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾ ﴾ البقرة: ۲۸۵

﴿ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِن نَّسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى

الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ۗ وَعَظُفْنَا وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا ۗ أَنْتَ

مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٨٦﴾ ﴾ البقرة: ۲۸۶

﴿ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿٨﴾ ﴾ آل

عمران: ۸

﴿ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١١١﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ

أَخْرَجْتَهُ ۗ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن أَنْصَارٍ ﴿١١٢﴾ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ ءَامِنُوا

رَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ﴿١٩٣﴾ رَبَّنَا
وَأِنَّا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿١٩٤﴾ * آل عمران:
١٩١ - ١٩٤

﴿ رَبَّنَا ءَامَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّحِيمِينَ ﴿١١٩﴾ ﴾ * المؤمنون: ١٠٩
﴿ رَبَّنَا أَصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ﴿٦٥﴾ إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا
وَمُقَامًا ﴿٦٦﴾ ﴾ * الفرقان: ٦٥ - ٦٦

﴿ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا فُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴿٧٤﴾ ﴾ *
الفرقان: ٧٤

﴿ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ
وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٥﴾ ﴾ * الأحقاف: ١٥
﴿ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ
ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٠﴾ ﴾ * الحشر: ١٠

﴿ رَبَّنَا آتِنَا نُورًا وَغُفْرَانًا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٨﴾ ﴾ * التحريم: ٨
﴿ رَبَّنَا إِنَّا ءَامَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١٦﴾ ﴾ * آل عمران: ١٦
﴿ رَبَّنَا ءَامَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴿٨٣﴾ ﴾ * المائدة: ٨٣

﴿ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ ءَامِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ ﴿٣٥﴾ ﴾ * إبراهيم: ٣٥
﴿ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ﴿٢٤﴾ ﴾ * الفصص: ٢٤

﴿ قَالَ رَبِّ أَنْصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ ﴾ ﴿٣٠﴾ العنكبوت: ٣٠ (اعراف/٤٧)
 ﴿ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴾ ﴿١١٩﴾ التوبة:

۱۲۹

﴿ عَسَىٰ رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴾ ﴿٢٢﴾ القصص: ٢٢

﴿ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴾ ﴿١١﴾ القصص: ٢١

- ۱- خدایا! در دنیا و در آخرت به ما حسنه و نیکی عطا کن و مرا از عذاب آتش نجات ده.^۱
- ۲- خدایا! به تو پناه می‌برم از فتنه جهنم و عذاب جهنم، فتنه قبر، و عذاب قبر، و شرّ فتنه ثروتمندی، و شرّ فتنه فقر.
- ۳- خدایا! از شرّ فتنه دجال به تو پناه می‌جویم، خدایا درونم را با آب برف و تگرگ شستشو ده، و همچنانکه لباس و پارچه سفید را از آلودگی پاک نموده‌ای درونم را نیز از خطایا پاک کن، همانطور که میان مشرق و مغرب فاصله ایجاد کرده‌ای میان من و خطاهایم نیز دوری و فاصله به وجود آور. خدایا! من از کسالت و گناه و زیان به تو پناه می‌برم.^۲

۱. بخاری، ۱۶۳/۷ و مسلم ۴/۲۰۷۰.

۲. بخاری، ۵۹/۷ و مسلم ۲۰۷۷۴.

- ۴- خدایا من از ناتوانی و ضعف و ترسویی و پیری و بخل‌ورزی به تو پناه می‌برم و از عذاب قبر و از فتنه و امتحان زنده شدن و مردن به تو پناه می‌آورم.^۱
- ۵- خدایا! من از فشار مصیبت و رسیدن به شقاوت و بدبختی و عاقبت شری و کینه‌توزی دشمنان به تو پناه می‌آورم.
- ۶- خدایا! دینم را که سبب لغزش‌ناپذیری در زندگی است و دنیايم را که معیشتم در آن است اصلاح کن و آخرتم را که معادم در آن قرار گرفته است اصلاح کن، و زندگی و حیاتم را در تمام خیر و نیکی افزایش ده و مرگ را برایم از هر شرّ و سختی دیگر آسان‌تر کن.^۲
- ۷- خدایا! هدایت و پرهیزگاری و عفت و بی‌نیازی را از تو می‌طلبم.^۳
- ۸- خدایا! از ضعف و کسالت و ترسویی و بخل‌ورزی و پیری و عذاب قبر به تو پناه می‌برم، خدایا! تقوای لازم را به نفسم عطا بخش، و آنرا تزکیه و پرورش ده تو بهترین کسی هستی که آنرا پاک و تزکیه می‌نمائی، تو سرپرست و صاحب آن می‌باشی خدایا من از علم بی‌سود و فایده و از قلب بی‌خشوع و از نفس سیرناپذیر و دعای بی‌جواب به تو پناه می‌آورم.^۴
- ۹- خدایا! مرا هدایت و محکم کن، خدایا! هدایت و استحکام را از تو می‌طلبم.^۵

۱. بخاری، ۱۵۵/۷ و مسلم ۲۰۸۰/۴.

۲. مسلم، ۲۰۸۷/۴.

۳. مسلم، ۲۰۸۷/۴.

۴. مسلم ۲۰۸۸ / ۴

۵. مسلم ۲۰۹۰ / ۴

- ۱۰- خدایا! از زایل شدن نعمت تو و از بین رفتن تندرستی تو، و ناگاه گرفتن عذابت و تمام خشم‌هایت به تو پناه می‌آورم.
- ۱۱- خدایا از شر آنچه انجام داده‌ام و از شر آنچه را که انجام نداده‌ام به تو پناه می‌جویم.^۱
- ۱۲- خدایا به مال و فرزندم فزونی بخش و در آنچه که به من داده‌ای برکت قرار ده:^۲ و حیاتم را بر طاعت خود طولانی کن و کردارم را نیک گردان و مرا ببخشای.^۳
- ۱۳- نیست معبودی به حقی جز خداوند جلیل و بردبار هیچ معبود به حق جز خداوند پروردگار عرش عظیم نیست هیچ معبودی جز خداوند پروردگار آسمانها و پروردگار زمین و پروردگار عرش بلندمرتبه نیست.^۴
- ۱۴- خدایا رحمت تو را می‌خواهم لحظه‌ای مرا به نفسم واگذار مکن و تمام حالاتم را اصلاح کن معبود به حقی جز تو نیست.
- ۱۵- هیچ معبود به حقی جز تو نیست پاک و منزهی من از ستم‌کنندگانم.
- ۱۶- خدایا! من بنده تو و پسر بنده تو و پسر کنیز تو می‌باشم. تحت سلطه و قدرت تو می‌باشم. حکم تو در مورد من قطعی است، و قضاوتت درباره‌ام عادلانه است و تو را با هر نامی که خود را به آن خوانده‌ای و یا در کتاب خود نازل فرموده‌ای یا آنرا به هر کسی از مخلوق خود یاد داده‌ای و یا هر نامی که

۱. مسلم، ۲۰۹۷/۴.

۲. بخاری، ۱۵۴/۷ و مسلم، ۱۹۲۸/۴.

۳. بخاری، ۱۵۴/۷ و مسلم، ۲۰۹۲/۴.

۴. ابوداود، ۲۲۴/۴، و احمد، ۴۳۱، و البانی آنرا حسن دانسته است.

در علم غیب برای خود اختصاص داده‌ای درخواست و طلب می‌نمایم اینکه
قرآن را بهار درون و نور سینه‌ام و بیرون راندن اندوه و بردن رنج و غصه‌ام
قرار دهی.^۱

۱۷-خدایا! ای دگرگون کننده دلها! قلبهای ما را بر طاعت خود دگرگون فرما.^۲

۱۸- ای دگرگون کننده دلها! قلبم را بر دینت استوار نما.^۳

۱۹- پروردگارا! تندرستی در دنیا و آخرت را از تو می‌خواهم.

۲۰- خدایا! فرجام تمام کارهایمان را نیک گردان، و از خواری دنیا و عذاب
آخرت مرا دور بدار.

۲۱- پروردگار من، مرا یاری نما و بر علیه من یاری و کمک نفرما و مرا پیروز گردان و
بر من پیروز مگردان، برای من چاره کن و بر علیه من حيله نکن. و مرا هدایت ده و
هدایت را به سوی من هموار کن، و مرا بر آن که بر من تجاوز کرده است پیروز
گردان و پروردگارا مرا برای خود بسی شکرگزار و بسی ذاکر و بسی ترسان و بسی
اطاعت‌کننده قرار ده، و به سوی تو فروتن و نالان و رجوع‌کننده باشم، پروردگار
من! توبه‌ام را بپذیر، لغزش و گناه‌ام را بشوی، و دعایم را اجابت کن، و حجت‌م را

۱. احمد، ۳۹۱/۱، ۴۵۲ و حاکم، ۵۰۹/۱.

۲. مسلم، ۲۰۴۵/۴.

۳. ترمذی، ۵۳۸/۵ و احمد، ۱۸۲/۴ و حاکم، ۵۲۵/۱ و ۵۲۸ و صحیح‌الجامع، ۳۰۹/۶ و ترمذی،
۱۷۱/۳.

استوار و محکم نما، و قلبم را هدایت کن، زبانم را هدایت کن، دوده و کینه درونم را بیرون بیا.^۱

۲۲- خدایا! ما از خیر آنچه که پیامبرت محمد ﷺ از تو خواسته است درخواست می‌نمائیم، از شر آنچه که پیامبرت محمد ﷺ به تو پناه جسته است پناه می‌جوئیم، و تو کسی هستی که از تو استعانت می‌کنند، هیچ قدرتی بالاتر از قدرت خدا نیست.

۲۳- خدایا! از شر گوش، چشم، زبان، قلب، خواسته و سرنوشتم به تو پناه می‌برم.

۲۴- خدایا! از دچار شدن به بیماری برص (پیسی) و دیوانگی و جذام (خوره) و از بیماری‌های پلید به تو پناه می‌برم.

۲۵- خدایا! از اخلاق و کردار و آرزوهای ناپسند به تو پناه می‌جوئیم.

۲۶- خدایا! بی‌گمان تو بسی بخشنده و بلندمرتبه‌ای عفو و بخشش را دوست می‌داری پس مرا عفو کن.^۲

۲۷- خدایا! انجام نیکی‌ها و ترک ناروایی‌ها و دوستی بینوایان را از تو در خواست می‌نمایم. و از تو می‌خواهم که مرا ببخشید و به من رحم نمائید و هرگاه اراده عذاب و ضلالت قومی را نمودی مرا بدون عذاب و محنت بمیران، عشق و علاقه به تو و حب آنکه تو را دوست می‌دارد و عشق به کرداری که مرا به سوی دوستی تو نزدیک گرداند از تو خواستارم.^۳

۱. ابوداود، ۸۳/۲ و ترمذی، ۵۵۴/۵ و ابن ماجه، ۱۲۵۹/۲، و حاکم آنرا صحیح دانسته و ذهبی نیز با آن

موافق بوده و به صحیح الترمذی، ۱۷۸/۳ مراجعه شود و احمد، ۱/۱۲۷.

۲. ترمذی، ۵۳۴/۵، تحقیق ابراهیم عطوه، چاپخانه مصطفی الیابی.

۳. احمد، ۲۴۳/۵ و ترمذی، ۳۶۵/۵.

۲۸- خدایا! تمام خیر دنیا و آخرت آنچه را از آن آگاهم و آنچه را که از آن آگاه نیستم از تو خواهانم. و از شرّ دنیا و آخرت و آنچه که از آن آگاهی یافته و یا آگاهی نیافته‌ام به تو پناه می‌برم،

خدایا! از خیر آنچه بنده و پیامبرت محمد ﷺ از تو جسته است را خواهانم، و از شرّ آنچه که پیامبرت محمد ﷺ از آن به تو پناه جسته است، پناه می‌آورم.

خدایا! بهشت و گرفتار و کردارهایی که بدان «مرا به تو» نزدیک میکند را خواستارم و از آتش و گرفتار و کرداری که بدان «مرا به جهنم» نزدیک می‌نماید به تو پناه می‌برم، و از تو تقدیر و سرنوشت خیر و نیکی را خواهانم.^۱

۲۹- خدایا! در حالت ایستاده و نشسته و خوابیده مرا با اسلام حفظ نما و دشمن و حسود را به من شاد و مسرور نگردان،

خدایا! تمام خیرها را که خزانه آن در دست توست از تو می‌طلبم و از شرهایی که خزائن آن در دست توست پناه می‌برم.^۲

۳۰- خدایا! از حیث خود آنچه که ما را از گناه و معاصی تو باز می‌گرداند و از یقین آنچه که با آن گرفتاریهای دنیا بر ما سبک آید، و از طاعت آنچه که ما را به بهشت تو نایل گرداند نصیبمان فرما، خدایا! تا وقتی که ما را زنده نگه‌داشته‌ای ما را از گوش و چشم و توانایی‌هایمان برخوردار کن، انتقام ما را بر کسی که به ما ستم نموده قرار ده و ما را بر کسی که با ما عداوت و دشمنی

۱. ابن ماجه، ۱۲۶۴/۲ و احمد ۱۳۴/۶، ذهبی، ۵۲۱/۱، ابن ماجه، ۳۲۷/۲.

۲. حاکم، ۵۲۵/۱، صحیح الجامع، ۳۹۸/۲ و الاحادیث الصحیحه، ۵۴/۴، شماره ۱۵۴۰.

نموده و گرفتاریمان را در دینمان قرار نده، دنیا را بزرگترین هدف و دغدغهی ما قرار نده. کسی را که به ما رحم نمی‌کند بر ما مسلط مگردان.^۱

۳۱- خداوندا! از ترسویی به تو پناه می‌برم و از بخل به تو پناه می‌برم و از پیری به تو پناه می‌جویم و از فتنه دنیا و عذاب قبر به تو پناه می‌برم.^۲ خدایا! گناه عمدی، نادانی و زیاده‌روی در گناه و آنچه که تو از من به آن آگاه‌تری مورد بخشش قرار ده. خداوندا! گناهی را که با شوخی و جدی و اشتباهی و عمدی از من سر زده است و تمام گناهایی که دارم برای من ببخشای.^۳

۳۲- خدایا! ظلم و ستم فراوانی به خود کرده‌ام جز تو کسی گناهان را نمی‌بخشد از مغفرت خود مرا مورد بخشش قرار ده و به من رحم کن. بی‌گمان تو بسی بخشنده و مهربان هستی.^۴

۳۳- خدایا! برای تو سر تسلیم فرود آوردم، و به تو ایمان آوردم، و بر تو توکل نمودم و به سوی تو برگشتم و به تو اقامه دعوی نموده‌ام، خدایا! از اینکه مرا گمراه گردانی پناه می‌برم قسم به عظمتت هیچ معبود به حقی نیست جز تو، تو زنده‌ای هستی که نمی‌میرد و جن و انس می‌میرند.

۳۴- خدایا! ما موجبات رحمتت را و اراده غفرانت و دوری و سلامت از هر گناهی و بهره بردن از هر نیکی و دستیابی به بهشت و نجات از آتش جهنم را از تو طلب می‌کنیم.^۱

۱. ترمذی، ۵۲۸/۵، حاکم، ۲۵۸/۱، ابن سنی، شماره ۴۴۶.

۲. بخاری، با فتح الباری، ۱۸۱/۱۱.

۳. بخاری، با فتح الباری، ۱۹۶/۱۱.

۴. بخاری، ۳۰۴/۱، و مسلم، ۲۰۷۸/۴.

۳۵- خدایا! فراوان‌ترین روزی‌ات را هنگام پیری و خاتمه‌یافتن عمرم بر من قرار ده.^۲

۳۶- خدایا! گناه‌م را ببخش، و سرایم را وسعت بخش، و در روزیم برکت قرار ده.^۳

۳۷- خدایا! از فضل و رحمتت از تو می‌طلبم جز تو کسی بر آن مالک نیست.

۳۸- خدایا! از لغزیدن و هلاک شدن و غرق شدن و سوزاندن به تو پناه می‌آورم، و از اینکه شیطان هنگام مرگ سرگردانم کند به تو پناه می‌آورم و از اینکه در راه تو با حالت پشت‌کننده و برگرداننده بمیرم به تو پناه می‌آورم و از اینکه هنگام مرگ با حالت رنجانده و گزیده بمیرم به تو پناه می‌جویم.

۳۹- خدایا! از گرسنگی به تو پناه می‌آورم، بی‌شک او همبستر ناشایست و بدی است و از خیانت به تو پناه می‌آورم همانا آن جامهٔ بدی است.

۴۰- خدایا! از درماندگی، کاهلی، ترسویی، خست، کهولت، قساوت و سنگدلی، غفلت، تنگدستی، خواری، بینوایی، به تو پناه می‌جویم و از فقر، کفر، هرزگی، تفرقه، نفاق، بی‌آبرویی و ریا به تو پناه می‌آورم، و از کوری، لالی، دیوانگی، جذام، پیسی و بیمارهای بدخیم به تو پناه می‌آورم.^۴

۱. حاکم، ۵۲۵/۱، اذکار نووی، ص ۳۴۰.

۲. حاکم، ۵۲۴/۱، صحیح‌الجامع ۳۶۹۱/۱، الاحادیث الصحیح ۱۵۳۹.

۳. احمد، ۳۷۵/۵۹۶۳/۴، نکا: صحیح‌الجامع، ۳۹۹/۱.

۴. حاکم، بیهقی، و صحیح‌الجامع (۴۰۶/۱) و ارواء‌القلیل شماره ۸۵۲.

- ۴۱- خدایا! از فقر، تنگدستی، و خواری به تو پناه می‌آورم و از اینکه ستم کنم و یا مورد ستم قرار گیرم به تو پناه می‌آورم.^۱
- ۴۲- خدایا! از همسایه‌ی بد در سرای جاویدان به تو پناه می‌برم، بی‌گمان همسایه‌ی صحرا (دنیا) به پایان می‌رسد.^۲
- ۴۳- خدایا! از قلب بی‌خشوع و از علم بی‌ثمر و از دعاهای بی‌جواب و از نفس سیرنشدنی به تو پناه می‌جویم، از این چهار شیء به تو پناه می‌جویم.
- ۴۴- خدایا! من به تو از روز بد، شب بد، ساعت (وقت) بد، رفیق سوء، همسایه‌ی ناشایست در سرای باقی و جاویدان به تو پناه می‌برم.
- ۴۵- خدایا! جنت را از تو می‌طلبم و از آتش جهنم به تو پناه می‌آورم. (۳ بار)
- ۴۶- خدایا! در دین آگاهم کن.^۳
- ۴۷- خدایا! از اینکه آگاهانه به تو شرک بورزم به تو پناه می‌آورم و از آنچه هم که ناآگاهانه باشد به تو پناه می‌آورم.^۴
- ۴۸- خدایا! به آنچه که به من یاد داده‌ای نفع برسانم، و آنچه به من سودی رساند مرا بیاموز، و علم مرا بیفزای.
- ۴۹- خدایا! من از تو علم سودمند، روزی حلال و عمل پذیرفته شده مسألت می‌نمایم.

۱. نسائی و ابوداود ۹۱/۲ و نگا: صحیح النسائی ۱۱۱۱/۳ و صحیح الجامع ۴۰۷/۱.

۲. حاکم ۵۳۲/۱ و ذهبی آنرا صحیح دانسته است، صحیح الجامع ۴۰۸/۱ و صحیح النسائی ۱۱۱۸/۳.

۳. طبرانی و هیثمی در مجموع زوائد، ۱۴۴/۱۰ گفته است رجال این حدیث رجال صحیح‌اند. نگا: صحیح الجامع، ۴۱۱/۱.

۴. به روایت احمد، ۴۰۳/۴ و غیره، نگاه: صحیح الترغیب و الترهیب، ناصر الدین آل‌بانی، ۱۹/۱.

۵۰- خدایا! ای یگانه یکتا! بی‌نیازی که نزاده است و زاده نشده است و کسی همتا و همگون او نمی‌باشد از تو می‌خواهم که گناهانم را ببخشایی، بیگمان تو بسی بخشنده و مهربان هستی.

۵۱- خدایا! از تو می‌خواهم که حمد و سپاس خاص توست، هیچ معبود بحقی جز تو نیست [تنهایی و تو را شریکی نیست]، ای صاحب شکوه و کرامت! ای زنده باقی پایدار! من از تو بهشت را می‌طلبم و از آتش جهنم به تو پناه می‌برم.

۵۲- خدایا! از تو درخواست می‌کنم به اینکه من گواهی می‌دهم که تو خدایی، معبود به حقی جز تو نیست. یگانه و بی‌نیازی که نزاده است و زاده نشده است و کسی همتا و همگون او نمی‌باشد.

۵۳- پروردگارا! مرا ببخش، و توبه‌ام را بپذیر، بی‌گمان تو بسی توبه‌پذیر و بسی بخشنده‌ای.^۱

۵۴- خداوندا! با علم غیب خود و قدرتت بر خلق، تا وقتیکه می‌دانی که حیات برای من خیر است زنده‌ام نگاه‌دار و هرگاه دانستی، مرگ برایم خیر است مرا بمیران، خداوندا! ترس و خشیت تو را در نهان و آشکار مسألت می‌کنم و در حال غضب و شادی رعایت گفتن حق را از تو طلب می‌نمایم و میانه‌روی در بی‌نیازی و تهیدستی از تو می‌خواهم و از تو نعمتی می‌خواهم که تمام شدنی نباشد، و از تو لذتی می‌خواهم که بی‌وقفه و پیوسته باشد، و بعد از آمدن گرفتاری رضایت را از تو می‌طلبم، خدایا بعد از مرگ، آرامش زندگی را از تو می‌خواهم، خدایا! لذت نگاه به وجه و سیمایت و شوق لقای تو را بدون اینکه

۱. ابو داود، ۷۹/۲ و ترمذی، ۵۱۵/۵ و ابن ماجه، ۱۲۶۷/۲ و احمد، ۳۶۰/۵ - و سنن الترمذی ۱۶۳/۳.

در فلاکت زیربنایی و فتنه گمراه‌کننده‌ای بیفتم از تو خواهانم، خدایا! مرا به زینت و زیبایی ایمان آراسته گردان، و ما را جزء راهنمایان هدایت یافته قرار ده.^۱

۵۵- خدایا! دوستی و حبّ خود و حبّ کسی که دوستی او نزد تو به من سود رساند نصیبم کن، خداوندا! از دوستی‌هایی که به من ارزانی داشته‌ای آنرا برای من سبب قوت بخشیدن به آنچه که تو دوست می‌داری قرار ده، خدایا! آنچه را که من دوست می‌دارم و آنرا از من پنهان و مخفی داشته‌ای آنرا در تکمیلِ حبّ آنچه که دوست می‌داری برای من قرار ده.^۲

۵۶- خدایا! از گناه و خطاها پاکم گردان، خدایا! از آنها پاکم کن همچنانکه جامه سفید از چرک پاک می‌گردد، خدایا! با برف و تگرگ و آب خنک پاکم گردان.^۳

۵۷- خدایا! از بخل ورزیدن و ترسویی و عمر بد، و فتنه قلب و عذاب قبر به تو پناه می‌برم.^۴

۵۸- خدایا! ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و پروردگار اسرافیل! از گرمای سوزان جهنّم و از عذاب قبر به تو پناه می‌آورم.^۵

۵۹- خدایا! طریق هدایتم را به من نشان ده، و از شر نفسم پناهم ده.

۱. النسائی، ۵۴/۳، ۵۵ و احمد ۳۶۴/۴، صحیح النسائی، ۲۸۰/۱ و ۲۸۱/۱.

۲. ترمذی، ۵۲۳/۵ و جامع الاصول، تحقیق: عبدالقادر ارنؤوط ۳۴۱/۴.

۳. نسائی، ۱۹۸/۱ و ۱۹۹، و ترمذی، ۵۱۵/۵، صحیح سنن النسائی ۸۶/۱.

۴. نسائی، ۲۵۵/۸ و ابوداود، ۹/۲، جامع الاصول ۳۶۳/۴.

۵. نسائی، ۲۷۸/۸ و صحیح نسائی ۱۱۲۱/۳.

۶۰- خدایا! علم سودمند را از تو درخواست می‌نمایم و از علم بی‌سود و ثمر به تو پناه می‌برم.

۶۱- خدایا! ای پروردگار آسمانهای [هفتگانه] و پروردگار زمین و عرش والا! پروردگار ما و پروردگار تمام اشیاء، شکافنده و رویاننده دانه و هسته و فرودآورنده تورات و انجیل و قرآن؛ از شرّ هر چیزی که در پنجه قدرت توست به تو پناه می‌آورم، خدایا! ای نخستین هستی که قبل از تو چیزی نبوده است و ای واپسین هستی که بعد از تو چیزی نیست و تو نمایانی هستی که چیزی تو را نمی‌پوشاند و نهانی هستی که نهان‌تر از تو چیزی نیست؛ دین و بدهی را از ما ادا کن و ما را از فقر بی‌نیاز گردان.^۱

۶۲- خدایا! میان دل‌هایمان الفت به وجود بیاور و اختلاف و ناسازگاری‌هایمان را اصلاح کن، و به راههای صلح و دوستی هدایت و راهنمایی‌مان فرما، و از تاریکی‌ها به طرف نور و روشنایی نجاتمان ده. خدایا! ناهنجاریهای آشکار و پوشیده را از ما دور گردان و به شنیداری و بینایی و درون‌ها و همسرانمان و نسل‌هایمان برکت عنایت فرما و توبه را از ما بپذیر، بی‌شک تو بسی توبه‌پذیر و مهربان هستی، ما را سپاسگزار نعمتهایت و ثناگویت و پذیرنده نعمتهایت قرار ده و آنها را بر ما به اتمام رسان.^۲

۶۳- خدایا بهترین درخواست و بهترین دعا و بهترین موفقیت، بهترین عمل، بهترین ثواب، بهترین حیات و بهترین مرگ را از تو درخواست می‌نمایم، و مرا استوار گردان، ترازوی نیکی‌هایم را سنگین گردان و ایمانم را ثابت گردان

۱. مسلم، ۲۰۸۴/۴ به روایت ابوهریره رضی‌الله عنه.

۲. به روایت حاکم و گفته صحیح است بر شرط مسلم و ذهبی با او موافق گشته است، ۲۶۵/۱.

و درجاتم را رفیع گردان و دعا و نمازم را بپذیر و خطایم را ببخش و درجات عالیه بهشت را از تو درخواست می‌نمایم. خدایا! آغازهای خیر و خاتمه‌های آن و اول و آشکار و پنهان آنرا و درجات عالیه بهشت را از تو درخواست می‌نمایم [بپذیر و اجابت نمای خداوندا خدایا! بهترین آنچه که می‌آورم و بهترین آنچه که انجام می‌دهم و به آن می‌پردازم و بهترین آنچه که پنهان و نمایان است و درجات بلند بهشت را از تو درخواست می‌نمایم (آمین) اجابت کن ای خداوند.

خدایا! از تو می‌خواهم که نامم را رفیع گردانی و بار سنگین گناهم را فرو نهی، و حالم را نیک گردانی و درونم را پاک نمائی و دامنم را از آلودگی حفظ کنی و قلبم را منور گردانی و گناهم را ببخشایی، و درجات بلند بهشت را از تو درخواست می‌نمایم و خدایا! از تو می‌خواهم که به درون و شنوایی و بینایی و روح و خلق و اخلاق و اهل و حیات و مرگ و کردارم برکت بیفزایی و حسناتم را پذیرا باشی و درجات رفیع بهشت را از تو مسألت می‌نمایم.^۱

۶۴- خدایا! اخلاق‌های ناروا و هواهای نفسانی و کردارهای نفسانی و ناخوشی‌ها را از من دور بدار.^۲

۶۵- خدایا! به آنچه که به من عطاء و ارزانی داشته‌ای قانعم کن و در آن برکت بیفزای و هر چه را از دست داده‌ام جایگزین آن، خیر نصیبم فرما.^۳

۶۶- خدایا! مرا آسان مورد محاسبه قرار ده.

۱. حاکم آنرا تخریب نموده و ذهبی آنرا صحیح دانسته است، ۵۲۰/۱.

۲. با تخریب حاکم و قائل به صحیح بودن است.

۳. حاکم، و قائل به صحت آن می‌باشد بر شرط مسلم و ذهبی با آن موافق است، ۵۳۲/۱.

- ۶۷- خدایا! ما را بر ذکر و شکر و حُسن عبادت یاری نما.
- ۶۸- خدایا! ایمانی غیر قابل برگشت و نعمتی تمام نشدنی و هم‌نشینی با محمد ﷺ را در رفیع‌ترین باغهای بهشت جاویدان را از تو مسألت می‌نمایم.
- ۶۹- خدایا از شرارت نفس حفظم نما. و خدایا! گناهی را که آشکارا و یا سرّی و یا عمدی و یا اشتباهی و یا آگاهانه و یا ناآگاهانه انجام داده‌ام مورد عفو و بخشش قرار ده.
- ۷۰- خدایا! از غلبه قرض و دشمن و نیرنگ دشمن به تو پناه می‌برم.
- ۷۱- خدایا! مرا ببخش و هدایت‌م نما و از من درگذر، خدایا! از تنگی جایگاه در روز قیامت به تو پناه می‌برم.^۱
- ۷۲- خدایا از شنوایی و بینایی بهره‌مندم کن. و بر کسی که به من ستم می‌نماید پیروزم گردان و انتقامم را از او بگیر.^۲
- ۷۳- خدایا! زندگی پاکی را از تو درخواست می‌نمایم.
- ۷۴- خدایا! همه ستایش خاص توست، خدایا! آنچه را که تو گسترده‌ای، جمع‌کننده‌ای برای آن نیست و آنچه را که تو درهم کشیده‌ای، گسترده‌ای برای آن نیست، آنکه را که تو همراه کرده باشی برای وی هدایتگری نیست و آنکه را تو هدایت کرده باشید برای وی همراه‌کننده‌ای نیست و آنچه را که تو منع کرده باشی عطاکننده‌ای برای آن نیست و آنچه را که تو عطا نموده باشی، منع‌کننده‌ای برای آن نیست و برای آنچه را که تو عطا نموده باشی، منع‌کننده‌ای برای آن نیست و برای آنچه که تو دور نموده‌ای نزدیک‌کننده‌ای

۱. سنائی، ۲۰۹/۳، و ابن ماجه، ۴۳۱/۱، صحیح سنن النسائی، ۳۵۶/۱ و صحیح ابن ماجه، ۲۲۶/۱.

۲. ترمذی تخریج نموده است. نگاه صحیح ترمذی، ۱۸۸/۳ و حاکم تخریج نموده.

نیست و برای آنچه که تو نزدیک نموده‌ای دور کننده‌ای نیست و از برکات و رحمت و فضل و روزی‌ات بر ما گسترده گردان، خدایا! من نعمت پابرجا که دگرگون و زایل نگردد از تو درخواست می‌نمایم، خدایا! در روز تنگدستی، نعمت و در روز خوف و هراس، امنیت را از تو درخواست می‌کنم، خداوند! از آنچه که به ما عطا نموده‌ای و از شرّ آنچه که ما را از آن منع نموده‌ای به تو پناه می‌برم و خدایا! ایمان را نزد ما محبوب و آنرا در دل‌هایمان مزین و آراسته گردان و کفر و بدی و سرکشی را نزد ما کریه و زشت گردان و ما را از راه‌یافتگان قرار ده و ما را با مسلمانی زنده گردان و بدون خواری و گرفتاری مرا به نیکوکاران ملحق نما، خدایا! کافرانی را که پیامبران تو را تکذیب می‌نمایند و از راه تو جلوگیری ممانعت می‌نمایند از بین ببر و خشم و عذاب خود را بر آن قرار ده، خدایا! کافرانی که کتاب (اهل کتاب) دریافت نموده‌اند نابود و از بین ببر، ای معبود بحق.^۱

۷۵- خدایا! مرا مورد بخشش قرار بده، و به من رحم کن، و هدایت‌م ده و تندرستم گردان و روزی‌ام ده.^۲

۷۶- خدایا! بر ما بیغزا و از ما کاهش نده، و مرا اکرام ده و مرا مورد اهانت قرار نده به ما عطا نما و ما را محروم ننما و ما را ترجیح و برتری ده و بر ما ترجیح نده، و ما را راضی کن و از ما رضایت حاصل نما.^۳

۷۷- خدایا! استوارم گردان و مرا هدایت‌دهنده و هدایت‌یافته گردان.^۱

۱. احمد، ۴۲۴/۳.

۲. مسلم، ۲۰۷۲/۴-۲۰۷۳، ۲۰۷۸/۴۵.

۳. ترمذی، ۳۲۶/۵، شماره ۳۱۷۳. حاکم، ۹۸/۲، نگاه: جامع‌الاصول، ۲۸۲/۱۱، شماره ۸۸۴۷.

۷۸- خدایا! حکمتی را که به هر کس داده شود، خیر فراوانی به او داده شده است، به من عطا نما.

اللهم صلِّ و سلِّم علی نبینا محمّد و علی آله و أصحابه
أجمعین و من تبعهم بإحسان إلى یوم الدین

۱. تخریج امام احمد، ۶۸/۶، ۱۵۵، ۴۰۳۱، آلبانی در أرواء الغلیل آنرا صحیح به حساب آورده است (۱۵۵/۱ شماره ۷۴).

اهمیت معالجه با کتاب و سنت

مقدمه

تمام ستایش‌ها مختص ذات خداوند است، او را ثنا می‌گوییم، و از او یاری می‌جوییم و از او طلب مغفرت و بخشش می‌نماییم، و از شرارتها و بدیهای درون و زشتیهای کردارمان به خداوند پناه می‌بریم هر که را خدایش هدایت نماید او را گمراه‌کننده‌ای نیست و هر که را خدا گمراهش نماید او را هدایتگری نیست، و گواهی می‌دهم که معبود بحقی جز خداوند نیست، یگانه است و او را شریکی نیست، و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست، درود و تحیت خداوند بر او و آل و یاران او و پیروان راستین او تا روز قیامت.

بی‌گمان معالجه با قرآن و دعا و تعویذهایی که از پیامبر ﷺ ثبت و ضبط گردیده است، معالجه سودمند و بهبودی تمام و کاملی است.

﴿هُوَ الَّذِي آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءً﴾ فصلت: ۴۴

«بگو قرآن برای مؤمنان مایه راهنمایی و بهبودی است»

﴿وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ الإسراء: ۸۲

«ما آیاتی از قرآن فرو می‌فرستیم که مایه شفاء و رحمت مؤمنان است»

و حرفِ (مِنْ) در اینجا برای تبیین جنس است یعنی اینکه تمام قرآن همچنانکه در آیه ذکر گردید دارای بهبودی و راهنمایی است، و در آیه‌ای دیگری می‌فرماید:

﴿يَتَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ

لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (۵۷) یونس: ۵۷

«ای مردمان از سوی پروردگارتان برای شما اندرزی و درمانی برای چیزهایی که در سینه‌هاست آمده است».

پس قرآن مایه بهبودی تمام بیماری‌های روحی و جسمی و دنیوی و اخروی است، هر فردی با داشتن اهلیت و صلاحیت لازم در بهبودیابی و شفاجستن به قرآن به موفقیت نایل می‌گردد، و هرگاه بیمار با روش نیک و از روی صدق و باور و اعتقاد جازم و با رعایت شروط آن به قرآن بیماری خویش را مداوا و معالجه نماید، هرگز بیماری با وی روبرویی نخواهد کرد چگونه بیماری می‌تواند با سخن خدا درآفتد که اگر آنرا بر کوهها فرو می‌فرستاد آنها را تکه تکه و متلاشی می‌نمود، هر کسی خداوند، فهم قرآن را به وی ارزانی داشته باشد تمام بیماری‌های درونی و بیرونی و علت و درمان آنها و پیشگیری از آن را در قرآن می‌یابد، خداوند در قرآن بیماری‌ها و راه درمان دلها و جسم‌ها را ذکر نموده است.

بیماری قلب دو دسته می‌باشند؛ دسته‌ای بیماری تردید و سوءظن است، و دسته دیگر بیماری شهوت و لغزش است.

و قرآن در جاهای متعددی به بیان بیماری درونی و سبب و راه چاره آنها می‌پردازد:

﴿أُولَٰئِكَ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةٍ

وَذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥١﴾ العنكبوت: ۵۱

«آیا همین اندازه برای آنان کافی و بسنده نیست که ما این کتاب را بر تو نازل کرده‌ایم و پیوسته بر آنان خوانده می‌شود مسلماً در این، رحمت بزرگی و تذکر سترگی است».

امام ابن قیم (الجوزیه) می‌گوید: کسی که قرآن او را شفا ننموده باشد خداوند وی را شفا و بهبود نبخشد و هر که قرآن او را کفایت و بسنده نکند خداوند نیز وی را کفایت و بسنده نکند.^۱

و اما بیماری‌های جسمی: خداوند به ریشه‌های درمان آنها و منشأ ایجاد و قواعد آن در قرآن کریم اشاره نموده است، به طوری که قرآن اساس و شالوده‌ی آنها به سه دسته تقسیم کرده است:

- ۱- حفظ تندرستی و سلامت
 - ۲- پیشگیری و مبارزه با عوامل بیماری‌زا
 - ۳- استفرغ و تهی نمودن مواد فاسد بیماری‌زا، و چنانچه فرد با روش درست و مناسب با قرآن تداوی نماید بلافاصله اثر بهبودی آنها می‌بیند.
- امام ابن قیم در کتاب «زادالمعاد» می‌گوید: مدتی در مکه مریض بودم و طبیب و دارویی جهت مداوا نیافتم، خودم را با سوره حمد معالجه می‌کردم و تأثیر شگفت آنرا روی خود می‌دیدم، مقداری از آب زمزم بر می‌داختم و چند بار سوره حمد را بر آن می‌خواندم سپس آنرا می‌نوشیدم و با آن بهبودی کامل می‌یافتم و بعد از آن در برابر بسیاری دردها از آن استفاده می‌بردم و برای کسانی که از درد و رنج می‌بردند توصیه می‌نمودم و بسیاری از آنان به سرعت رو به بهبودی می‌رفتند.^۲

۱. زادالمعاد، ۴/۳۵۲.

۲. زادالمعاد، ۴/۱۷۸ و الجواب الکافی، ص ۲۱.

و همچنین معالجه با تقویض و دعاهای نبوی مفیدترین داروها می‌باشند و دعا به شرطی که از موانع بدور باشد سودمندترین ابزار در رفع گرفتاری و حصول خواسته انسان است و مفیدترین دارو می‌باشد مخصوصاً اگر همراه با التماس و استدعا باشد و دعا دشمن مصیبت و بلاست و آنرا دفع نموده و از فرود آمدن آن ممانعت به عمل می‌آورد و یا اگر هم فرود آید آنرا تخفیف و آسان گرداند.^۱ و از ترمذی و حاکم روایت شده است که پیامبر ﷺ فرموده است: «دعا از چیزی که فرود آمده است و از آنچه نازل نگشته است سود و فایده می‌رساند پس دعا کردن بر شما لازم و ضروری است».^۲

و باز می‌فرماید: «قضا را جز دعا باز نگرداند و جز نیکی کردن به طول عمر نیفزاید»^۳، ولیکن در اینجا لازم است به این نکته توجه گردد که آیات و اذکار و دعاهایی با آنها درخواست بهبودی می‌گردد و آنها در نفس خود دارای سود و بهبودی می‌باشند دارای قبولی و توانایی و اثر معالج می‌باشند و اگر تداوی و معالجه با موارد مذکور بهبودی را به دنبال نداشت یا بر اثر ضعف تأثیر انجام دهنده آن بوده است و یا به علت عدم قبول فرد مداوا شده و یا به خاطر وجود مانع بزرگی است که از تأثیر در ماده ممانعت می‌نماید، و معالجه با دعا و تعویذ به دو امر تحقق می‌پذیرد:

یکی از سوی مریض و امر دیگر از سوی فرد معالج می‌باشد، و آنچه که بسیار رعایت نماید این است که با تقویت خود و توجه صادقانه به خداوند روی نماید و

۱. جواب الکافی : ۲۲-۲۵.

۲. صحیح الجامع، ۱۵۳/۳، شماره ۳۴۰۳.

۳. حاکم و ترمذی و آلبانی آنرا صحیح دانسته است. نگا : سلسله الاحادیث الصحیحه ۷۶/۱، شماره ۱۵۴.

اعتقاد جازم داشته باشد به اینکه قرآن شفا و رحمت است برای ایمان‌داران و با قلب و زبان از خداوند پناه جوید، زیرا این عمل یک نوع ستیز و جنگ می‌باشد و فرد ستیزه‌جو نیز امکان پیروزی بر دشمن برای وی ممکن نمی‌گردد. جز به دو امر نباشد یکی اینکه سلاح در ذات خود سالم و کارایی لازم را داشته باشد و دوم اینکه فرد جنگجو دارای نیرو و وقت لازم جنگ را دارا باشد، و چنانچه یکی از دو امر برای جنگجو فراهم نباشد اسلحه برای وی سود و ارزشی ندارد پس اگر جنگجو فاقد هر دو امر باشد در این صورت چه چیزی برای وی حاصل می‌گردد و همچنین اگر قلب مریض از توحید و تقوا و توجه خدا خالی باشد و سلامتی هم نداشته باشد چگونه انتظار بهبودی را داشته باشد.

و امر دوم که از سوی معالج با کتاب و سنت می‌باشد می‌بایست او نیز دارای دو امر مذکور در وظایف مریض باشد^۱، و به همین سبب ابن التیمیة رحمته الله گفته است: تعویذ با دعاها و اسماء خداوند داروی روحی است؛ هرگاه بر زبان نیکوکار جاری گردد و با اذن خداوند بهبودی حاصل می‌گردد.

و علما با وجود سه شرط بر جواز تعویذ و دعا اجماع کرده‌اند:

- ۱- اینکه با کلام خداوند یا اسماء و صفات او و یا سخن پیامبر صلی الله علیه و آله باشد.
- ۲- با زبان عربی و یا زبان قابل فهم دیگری باشد.
- ۳- باور به اینکه دعا ذاتاً تأثیری ندارد بلکه با قدرت خداوند تأثیر می‌کند و آن هم سببی از اسباب بهبودی است.^۲

۱. زادالمعاد، ۶۸/۴، الجواب الکافی، ص ۲۱.

۲. فتح الباری، ۱۰/۱۹۶.

و به خاطر اهمیت جدی دعا بخش تعویذ را از کتاب (ذکر و دعا و معالجه با تعویذ از کتاب و سنت) خودم خلاصه نمودم و نکته‌های مفیدی نیز به آن افزودم و از خداوند - عزّ و جلّ - می‌خواهم که آن را محض رضای خویش قرار دهد، و به وسیله این اثر به من و کسانی که آنرا خوانده‌اند و یا به چاپ رسانده و یا عامل پخش آن بوده‌اند و همهٔ مسلمانان بهره و نفع رساند.

و صلی الله و سلم و بارک علی نبینا محمد و علی آله و

اصحابه و من تبعهم بإحسانٍ إلى یوم الدین

سعید بن علی بن وهف القحطانی

نگاشته شد در تاریخ 18/6/1414 هـ

۱- علاج سحر (جادو)

علاج الهی برای سحر دو نوع می‌باشد:

بخش اول آنست که قبل از وقوع سحر از آن پیشگیری به عمل آورده می‌شود:

- ۱- انجام دادن همه واجبات، و ترک تمام محرّمات، و توبه از تمام گناهان.
- ۲- افزایش خواندن قرآن کریم به طوری که هر روز وردی^۱ (جزیی) از آنرا برای آن قرار داده شود.
- ۳- پناهجویی از خداوند با دعاها و اذکار. برای شروع در این مورد می‌توان به دعاهاى زیر اشاره نمود:

«بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»
سه بار در صبح و شبانگاه^۲، و خواندن آیه الکرسی بعد از هر نماز و هنگام خواب و در صبح و شب^۳ و خواندن سوره اخلاص و ناس و فلق سه بار در هنگام خواب و صبح و اول شب و گفتن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» هر روز صد مرتبه و رعایت و پرداختن به اذکار زیر: اذکار صبحگاه و شامگاه، اذکار بعد از نمازها، اذکار خواب و بیدار شدن از آن، اذکار ورود به منزل و خروج از آن، اذکار نشستن بر مرکب، اذکار ورود به مسجد و خروج از آن، و دعای ورود به مستراح و خروج از آن،

۱. ورد: جزیی از قرآن است که انسان آنرا در طول شبانه روز بخواند، فرهنگ عمید.

۲. ترمذی و ابوداود و ابن ماجه، نگا: صحیح ابن ماجه، ۳۳۲/۲.

۳. نگا: حاکم و ذهبی، ۵۶۲/۱ و صحیح الترغیب و الترهیب ناصرالدین آلبنی، ۲۷۳/۱، شماره ۶۵۸.

و غیره و بسیاری از آنها را در (حصن المسلم) ^۱ بر طبق احوال و مناسبات و اماکن و اوقات مناسب ذکر کرده‌ام، بی‌گمان محافظت و رعایت این اذکار فرد را از ابتلا به سحر و چشم و جن‌زدگی به اذن و رخصت الهی منع می‌نماید و موارد بعد از دچار شدن به این آفتها نیز بهترین اثر را در علاج آنها ایفا می‌نمایند. ^۲

۴- خوردن هفت خرما با شکم خالی قبل از صبحانه هرگاه ممکن باشد؛ زیرا از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرموده است: «مَنْ اصْطَبَحَ بِسَبْعِ تَمْرَاتٍ عَجْوَةٍ لَمْ يَضُرَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ سَمٌّ وَلَا سِحْرٌ» (هر کسی با خوردن هفت خرمای خشک صبحانه نماید در آن روز سموم و سحری به او ضرر نمی‌رسانند) و بهتر اینکه از خرمای مدینه باشد و علامه بن عبدالله بن باز رحمته الله علیه بر این باور است که تمام خرماهای مدینه دارای این اوصاف می‌باشد. همچنین که شیخ رحمته الله علیه بر این باور است که در غیر خرمای مدینه هم برای کسی که بخواهد این سنت را عملی نماید نیز شامل این حکم می‌گردد.

۱. حصن المسلم: نیز اثری از مؤلف است در ۱۲۰ صفحه که مجموعه‌ای از اذکار کتاب، سنت می‌باشد که در دمشق - بیروت در دار ابن کثیر به چاپ رسیده است.

۲. زادالمعاد، ۱۲۶/۴ و مجموع فتاوی ابن باز ۲۷۷/۳ و ص ۱۰۸ از همین کتاب.

بخش دوم: علاج سحر بعد از وقوع آن که دارای انواع مختلفی است.
 نوع اول: بیرون نمودن و ابطال سحر اگر محل آن دانسته شود با راههای مباح شرعی و غالباً فرد مسحور با این روش معالجه می‌گردد.

نوع دوم: تعویذ شرعی از جمله:

أ- هفت برگ سبز سدر (درخت کنار) را میان هاون و یا با هر وسیله دیگر کوبیده گردد و سپس به اندازه آب غسل یک فرد آب بر آن بریزید و آیات زیر بر آن خوانده شود:

(أعوذ بالله من الشيطان الرجيم)

﴿ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

﴿ ۲۵۵ ﴾ البقرة: ۲۵۵

﴿ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿۱۱۷﴾ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۱۸﴾ فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَغِيرِينَ ﴿۱۱۹﴾ وَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ ﴿۱۲۰﴾ قَالُوا يَا مَنَّا رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۲۱﴾ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿۱۲۲﴾﴾ الأعراف: ۱۱۷ - ۱۲۲

﴿ وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَتَنْوِينِي بِكُلِّ سِحْرِ عَلِيمٍ ﴿۷۶﴾ فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرَةُ قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلقُونَ ﴿۸۰﴾ فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَابِطٌ لَهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يَصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿۸۱﴾ وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿۸۲﴾﴾ يونس: ۷۹ -

﴿قَالُوا يَمُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقَىٰ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوْلَٰئِكَ مَنْ أَلْقَىٰ ﴿٦٥﴾ قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا جَاءَهُمْ وَعَصِيَّهُمْ يُخِيلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنهَا تَسْمَعُ ﴿٦٦﴾ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَىٰ ﴿٦٧﴾ قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ ﴿٦٨﴾ وَأَلْقَىٰ مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفَ مَا صَنَعُوا وَإِنَّمَا صَنَعُوا كِيدٌ سِحْرٍ وَلَا يَفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَقْبَىٰ ﴿٦٩﴾ فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَجْدًا قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَىٰ ﴿٧٠﴾ طه: ٦٥ - ٧٠

﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ﴿١﴾ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٢﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٣﴾ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مِمَّا عَبَدْتُمْ ﴿٤﴾ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ﴿٥﴾ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ﴿٦﴾﴾ الكافرون: ١ - ٦

﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ﴿١﴾ اللَّهُ الصَّمَدُ ﴿٢﴾ لَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٣﴾ وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ ﴿٤﴾﴾ الإخلاص: ١ - ٤

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ﴿١﴾ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ﴿٢﴾ وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ﴿٣﴾ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ﴿٤﴾ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ﴿٥﴾﴾ الفلق: ١ - ٥

﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ﴿١﴾ مَلِكِ النَّاسِ ﴿٢﴾ إِلَهِ النَّاسِ ﴿٣﴾ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ﴿٤﴾ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ﴿٥﴾ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ﴿٦﴾﴾ الناس: ١ - ٦

و بعد از خواندن آیات مذکور بر آن سه بار از آن بنوشد و با باقیمانده آن غسل نماید و با این عمل اگر خداوند بخواهد، درد و رنج از بین می‌رود و اگر نیاز بود دوبار یا بیشتر می‌تواند انجام دهد تا بیمار کاملا بهبود یابد و این بارها تجربه شده است و مفید هم بوده است.

ب-سوره فاتحه و آیه الکرسی را خوانده و دو آیه آخر سوره بقره و سوره اخلاص و سه بار یا بیشتر معوذتین همراه با دمیدن با دست راست محل درد را مسح و مالش دهید.^۱

ج- تعاویذ^۲ و دعاهای مهم و جامع

- ۱- از خداوند بزرگ پروردگار عرش والا می‌خواهم که ترا شفاء دهد. (۷ بار)^۳
- ۲- دست را روی محل درد گذاشته و سه بار می‌گوید: «بسم‌الله» و «أعوذ بالله و قدرته من شرِّ ما أجدُّ وأحاذرُ» (۷ بار)^۴ از شر آنچه که می‌یابم و از آن حذر می‌نمایم به خداوند و قدرت او پناه می‌برم.
- ۳- خدایا! پروردگار مردم! ناراحتی را ببر و شفا ده، تو شفا دهنده‌ای و شفایی جز شفای تو نیست، شفایی که به بیماری نمی‌گراید.^۵
- ۴- از هر شیطان گزنده‌ای و از هر چشم بدی به کلمات تامه خداوند پناه می‌برم.^۶

۱. بخاری با فتح الباری، ۶۲/۹ و مسلم، ۱۷۲۳/۴ و بخاری با فتح الباری، ۱۰۸/۱۰.

۲. تعاویذ جمع تعویذ بمعنی: دعا کردن، و پناه خواستن، التجا کردن به خداوند متعال توسط اوراد و اذکار مشروع قرآن و سنت صحیح می‌باشد بخلاف مفهوم مشهور عام که عبارت از آویزان کردن گلو بند و دستبند و می‌باشد.

۳. ترمذی و ابوداود، ۱۸۷/۳ و ترمذی، ۴۱۰/۲، نگا: صحیح الجامع، ۱۸۰/۵ و ۳۲۲.

۴. مسلم، ۱۷۲۸/۴.

۵. فتح الباری، ۲۰۶/۱۰ و مسلم، ۱۷۲۱/۴.

۶. بخاری، مع الفتح، ۴۰۸/۶.

- ۵- از شر آنچه خداوند خلق کرده است به کلمات تاّمات خداوند پناه می‌برم.
- ۶- از غضب و عذاب خداوند و شرّ بندگانی و از وسوسه‌های شیاطین و اینکه نزد من حضور یابند به کلمات تامه خداوند پناه می‌جویم.
- ۷- از شرّ آنچه که خدا خلق کرده است و از شرّ آنچه که از آسمان فرود می‌آید و از شرّ آنچه از آن بیرون می‌رود و از شرّ فتنه‌های شب و روز و از شر هر کوبنده و شبروی، مگر کوبنده باب خیر و نیکی، به کلمات تامه‌ای هیچ نیکوکار و فاجری از آن تجاوز نمی‌نماید، پناه می‌برم.^۱
- ۸- خدایا! پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار عرش والا، ای پروردگار ما و پروردگار تمام اشیاء، ای شکافنده و رویاننده دانه و هسته، فرودآورنده تورات و انجیل و قرآن، از شرّ آنچه که زمام آن در دست توست به تو پناه می‌آورم تو آغازینی هستی که قبل از تو چیزی نبوده است و واپسینی هستی که بعد از تو چیزی نخواهد بود و تو پنهانی هستی که پنهان‌تر از تو چیزی نیست.^۲
- ۹- به نام خدا تو را از هر چیز که باعث آزارت گردد و از شر هر نفس و یا چشم حسودی تو را آزار نماید تعویذ می‌نمایم و خداوند شفایت دهد به نام خدا تعویذت می‌دهم.^۳

۱. سند احمد، ۱۱۹/۳ با اسناد صحیح، و ابن النبی شماره ۶۳۷ و مجمع‌الزوائد، ۱۰/۱۲۷.

۲. مسلم، ۴/۲۰۸۴.

۳. مسلم از ابوسعید رضی الله عنه، ۴/۱۷۱۸.

۱۰- به نام خدا بهبودت بخشد و از هر درد الهی شفایت دهد و از شر هر حسودی هرگاه رشک بورزد و از شر هر صاحب چشم بدی شفا و پناهت دهد.^۱

۱۱- به نام خداوند از هر چیز که آزارت می‌دهد و از حسد حسود ترا دعا و تعویذ می‌نمایم و از شر هر صاحب چشم حسودی از خداوند می‌خواهم بهبودت بخشد.^۲

این تعاویذ و دعاها، سحر و جن‌زدگی و چشم‌زخم و همه بیماریها با آن معالجه می‌گردد اینها به اذن خداوند دعاهاى جامع و مفیدی می‌باشند.

نوع سوم: خون‌گیری با حجامت از محل یا عضوی که اثر سحر بر آن ظاهر گشته است، اگر ممکن باشد و چنانچه حجامت ممکن نباشد به کار گرفتن آنچه که ذکر شد جهت استعلاج کافی و بسنده می‌باشد.

نوع چهارم: داروهای طبیعی و مفیدی که قرآن و سنت مطهر به آنها اشاره نموده‌اند هرگاه انسان با یقین و صدق و توجه به خداوند آنها را به کار ببرد و اعتقاد داشته باشد بر اینکه نفع از طرف خداوند است و اگر خداوند بخواهد به آن نفع رساند همچنانکه داروهای ترکیبی گیاهی که براساس تجربه‌ی تجربه‌داران می‌توان از آن استفاده نمود به شرطی که حرام نباشند و در این زمینه داروهای طبیعی جهت علاج بیماری‌ها و آفات مذکور وجود دارند که اگر خداوند بخواهد نفع و فایده می‌رساند.

۱. مسلم از عائشه (رضی الله عنها)، ۱۷۱۸/۴.

۲. سنن ابن ماجه از عباد بن صامت رضی الله عنه، نگا: صحیح ابن ماجه، ۲۶۸/۲.

از جمله معالجات طبیعی نافع به اذن خداوند می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:
عسل^۱، سیاهدانه^۲، آب زمزم^۳، و آب آسمان همچنانکه قرآن می‌فرماید:

﴿وَزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبْرَكًا﴾ ق: ۹

«ما از آسمان آب مبارک فرو فرستاده‌ایم».

و یکی دیگر اسباب معالجه روغن زیتون است به دلیل اینکه از پیامبر ﷺ روایت است که:

«كَلُوا الزَّيْتِ وَأَدْنُوا بِهِ فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ».

«زیتون را بخورید و به آن تدهین نمایید زیرا از درخت مبارکه‌ای می‌باشد».

واقعیت تجربه و استعمال و مطالعه نشان داده است که بهترین روغن است برای استحمام و نظافت و عطرآگین نمودن و از داروهای طبیعی به شمار می‌آیند.

۲- علاج چشم زخم

معالجه ابتلا به چشم بد به سه طریق انجام می‌گیرد:

— قسم اول: قبل از ابتلا به آن و آن هم دارای چند نوع می‌باشد:

- ۱- حفظ و نگهداشت فردی که بیم آن می‌رود که مورد حسد چشم بد قرار گیرد با اذکار و دعاها و تعاویذ مشروعه همچون بخش اول از علاج سحر.

۱. نگا: ص ۱۴۳ متن عربی همین کتاب، و فتح الحق المبین، ص ۱۴۰.

۲. ص ۱۴۱ متن عربی کتاب حاضر، و فتح الحق المبین، ص ۱۴۱.

۳. ص ۱۴۳، متن عربی کتاب حاضر، و فتح الحق المبین، ص ۱۴۴.

۲- فردی که از اثر بد چشم خود می‌ترسد و یا بیم می‌رود که چشم وی بر دیگران اثر بد بگذارد هرگاه از خود یا ثروت و فرزند خود و یا برادر خود چیزی را دید که باعث شگفت وی گردد در آن حالت به برکت دعا نماید و بگوید: «ما شاء الله لا قوة الا بالله، اللهم بارك عليه» زیرا از پیامبر ﷺ روایت شده است که «هر کسی که از شما چیز را از برادر خود ببیند که او را شگفت‌زده نماید برای وی دعای برکت نماید».

۳- پوشاندن محاسن کس که بیم اثر بد چشم بر وی رود.

— **قسم دوم:** بعد از اصابت چشم بد بر فرد که آنهم دارای انواع گوناگون است:

۱- هرگاه چشم‌زخم زننده شناخته شد امر به وضو می‌شود سپس فردی که چشم بد بر وی اصابت کرده است از آب وضوی وی غسل نماید.

۲- به خواندن سوره توحید، و معوذتین و حمد و آیه الکرسی و آیه‌های آخر سوره بقره و دعاهای مشروعه در تعویذ با دمیدن و مسح محل درد با دست راست بیفزاید همچنانکه در بخش دوم از علاج سحر فقره ج شماره ۱ الی ۱۱ بیان گردید.

۳- سپس بیمار آب دمیده شده را می‌نوشد و باقیمانده را بر روی خود می‌ریزد، یا در روغن می‌خواند و با آن تدهین می‌نماید و چنانچه در آب زمزم یا آب آسمان خوانده شود بهتر است.

۴- ایرادی ندارد اگر آیاتی از قرآن نوشته گردد و بعد از آن شسته شود و بیمار از آن بنوشد و از جمله آیاتی که در این باره به کار می‌روند سوره

حمد، آیه‌الکرسی و دو آیه آخر سوره بقره و سوره توحید و معوذتان و دعاهای تعویذ همچنانکه در صفحه‌های قبل ذکر گردید.

۱- بخش سوم به کار بردن اسبابی که باعث دفع چشم حسود می‌گردد که عبارتند از:

۱- استعاذه و پناه خواستن به خداوند از شر حسود.

۲- تقوا و ترس از خداوند و رعایت تقوا در امر و نهی خداوند.

۳- صبر بر حسود و گذشت از او و عدم درگیری و شکایت و اذیت او.

۴- توکل نمودن بر خداوند و هر کسی بر خداوند توکل نماید خداوند برای او کافی و بسنده می‌باشد.

۵- از حاسد نترسد و فکر خود را با آن مشغول ننماید و این مفیدترین داروست.

۶- روی آوردن بر خدا و داشتن اخلاص با او و طلب رضایت او.

۷- توبه از گناهان چون دشمنان انسان را بر او مسلط می‌گرداند.

﴿ وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ آيَاتِكُمْ وَيعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ ﴾

الشوری: ۳۰

«آنچه از مصیبت و بلایا به شما می‌رسد به خاطر کارهایی است که خود کرده‌اید، و خداوند از بسیاری (از آن) گذشت می‌کند».

۸- به اندازه توان صدقه و احسان نمودن بی‌گمان صدقه و احسان تأثیر شگفتی بر دفع بلا و چشم زخم و شر حسود دارند.

۹- با نیکی نمودن به حاسد، آتش درون وی را خاموش کنید هر اندازه حاسد به افزودن شر و حسد خود پردازد او هم احسان و نیکی و شفقت بر او

افزایش دهد و این عمل از هر کسی بر نمی‌آید مگر آنکه خداوند بهره‌ای از طرف خود به او داده باشد.

۱۰- مجرد نمودن توحید و اخلاص برای خداوند حکیم که چیزی بدون اذن وی سود و ضرر نمی‌رساند و او جامع و مدار تمام اسباب می‌باشد. پس توحید دژ بزرگ خداوند است هر کسی به آن وارد گردد از امنیت و امان یافتگان است.

پس با این ده اسبابی که ذکر کردیم شرّ حاسد و چشم‌زخم زننده و ساحر دفع می‌گردد.^۱

۳- علاج و آمیختگی جنی با انسان

علاج فرد جن‌زده که جن به او وارد شده است و به آن می‌آمیزد دو نوع است:

نوع اول: قبل از اصابت است:

محافظه و رعایت بر تمام فرایض و واجبات و دوری نمودن از تمام محرّمات، و توبه از تمام گناهان و پناه بردن با اذکار و دعاهای مشروع.

نوع دوم: معالجه بعد از ورود جنی به جسم انسان:

به وسیله مسلمانی که قلب و زبانش با هم هماهنگ باشد و برای فرد مصروع تعویذ می‌دهد دعاهای لازم در این زمینه گفته شود و بزرگترین معالجه با فاتحه‌الکتاب و آیه الکرسی و دو آیه آخر سوره بقره و سوره توحید و سوره فلق و ناس همراه با دمیدن بر فرد مصروع و سه بار تکرار نمودن آن و یا بیشتر و آیات دیگر قرآنی زیرا

۱. نگا: به بدائع الفوائد ابن قیم الجوزیه ۲۳۸/۳-۲۴۵.

همه قرآن شفا درونی و شفاء و هدایت است برای ایمان‌داران و سایر دعاهایی که در بخش دوم از علاج سحر در فقره «ب» و «ج» گفته شد و در این علاج فرد مصروع رعایت و پای‌بندی به دو امر لازم است اول از طرف فرد مصروع درون خود را تقویت نماید و صادقانه به خداوند توجه و روی آورد و با قلب و زبان به خداوند پناه ببرد و دوم از طرف فرد معالج باید تحقق یابد و او نیز وظایف فرد مصروع را بر عهده دارد و به قول مشهور اسلحه یا زنده آن است و اگر در گوش مصروع اذان گفته شود نیک است زیرا شیطان از آن گریزان می‌گردد.^۱

۴- معالجه بیماری‌های درونی

بزرگترین معالجه و درمان بیماری درونی و تنگی و دل‌گرفتگی (سینه) به طور خلاصه عبارت است از:

۱- هدایت و توحید، همچنانکه گمراهی و شرک بزرگترین اسباب دل‌گرفتگی است.

۲- نور ایمان واقعی که خداوند در قلب بنده با عمل صالح می‌گذارد.

۳- علم سودمند، هر اندازه علم بنده وسعت یابد دل و سینه او بازتر و گسترده‌تر خواهد شد.

۴- انابه و برگشت به سوی خداوند و یا تمام دل و درون محبت او داشتن و روی آوردن بر او شکر نعمت او با عبادت نمودن وی.

۵- دوام ذکر در هر حال و هر مکانی، ذکر تأثیر شگفتی در انشراح و گشاده‌ای صدر و نعمت دل و از بین بردن غم و غصه دارد.

۱. نگا: فتح‌الحق‌المبین در علاج سحر و صرع و چشم‌زخم، ص ۱۱۲، و بخاری، شماره ۵۷۴.

۶- با انواع احسان و نیکی به مردم نیکی کردن و سود رساندن به آنان چون فرد بخشنده و نیکوکار از لحاظ سعه صدر برترین مردم است و دارای پاک‌ترین درون می‌باشد.

۷- شجاعت و دلیری، انسان دلیر دارای سعه صدر و وسعت قلب می‌باشد.

۸- بیرون کردن ناراستی‌های قلب و صفات مذمومه‌ای که موجب ضیق و شکنجه قلب می‌گردد: مانند حسد، بغض، کینه، دشمنی و نفرت، سرکشی، و از پیامبر ﷺ ثابت گشته است که از او درباره بهترین مردم سؤال شد فرمود: «کل مخموم القلب صدوق اللسان» گفت هر که دل پاک و راست‌گفتار باشد بهترین مردم است، گفتار صدوق اللسان می‌دانیم چیست اما مخموم القلب به چه معناست؟ فرمود: کسی است که متقی و پاک باشد، و گناه و کینه و حسد در وی نباشد.^۱

۹- ترک نظر و سخن، استماع و آمیختن با مردم، خوردن و خوابیدن زیاد، و اضافه بر نیاز بکار بردن موارد مذکور از جمله اسباب گشایش روح و روان و زدودن غم و اندوه می‌باشد.

۱۰- اشتغال به کار و یا علم مفیدی که قلب را از آنچه که باعث نگرانی و اضطراب آن گشته است مشغول و باز دارد.

۱۱- اهتمام ورزیدن به عملی که به آن مشغول هستید و دوری از تفکر در مورد آینده و افسوس نخوردن برگزیده و یاری خواستن از خداوند برای تحقق

۱. اخراج از ابن ماجه با شماره ۴۲۱۶، نگا: صحیح ابن ماجه، ۴۱۱/۲.

نیات حسنه و تلاش بر این راه غم و اندوه را می زداید و باعث آرامش قلب و روان می گردد.

۱۲- در تندرستی و معیشت خویش به پایین تر از خود بنگرد نه به بالاتر از خود.
 ۱۳- فراموش نمودن مشکلات و ناراحتی‌هایی گذشته که امکان برگشت و جبران آنها ممکن نباشد نباید درباره آنها اصلاً فکر نمود.

۱۴- هرگاه مصیبتی از مصائب برای شخص پیش آید می‌بایست در تخفیف اثر آن بر خود تلاش بورزد به اینگونه که بدترین احتمال ممکن برای آن فرض کند و با توان و قدرت خویش با آن مقابله کند.

۱۵- تقویت قلب و تسلیم نشدن آن در برابر خیالات و توهمات که افکار بد به وجود می‌آورند و به عصبانیت هم منجر نگردد و توقع نداشته باشد که سختی و گرفتاری زایل گردد و بلکه بر خداوند توکل نماید و خود را به خداوند بسپارد و در پی اسباب سودمند برای دفع گرفتاری هم باشد و از خداوند طلب بخشش و تندرستی بنماید.

۱۶- تکیه و اعتماد بر خداوند همانا کسی که بر خداوند توکل نماید خیالات و توهمات بی‌اساس در وی تأثیر نمی‌کنند.

۱۷- هرگاه فرد به مصیبت و گرفتاری دچار گردد میان گرفتاری موجود و نعمتهای موجود که خداوند به وی ارزانی داشته است مقارنه و تطبیق می‌نماید پی می‌برد که نعمتهای موجود بیش از مصیبت‌های وارد شده است و بجای تفکر در امور منفی و احتمالات ضرر به افکار مثبت و امیدوار کننده روی آورد.

۱۸- بداند که اذیت و آزار مردم به او ضرری نمی‌رساند، خصوصاً در گفتار های ناشایست و بلکه ضرر متوجه گوینده آن میگردد لذا فکر و خیال خود را به ضرر احتمالی آن مشغول نکند.

۱۹- فکر خود را در آنچه که سود و نفع دینی و یا دنیوی به بار می‌آورد به کار بگیرد.

۲۰- انسان در برابر نیکی‌ها و خوبی‌هایی که برای دیگران انجام می‌دهد به دنبال تشکر و سپاسگزاری دیگران نباشد و بلکه آنرا معامله‌ای میان خود و خدای خود بیندارد و به تشکر طرف مقابل توجه ننماید همانطور که قرآن می‌فرماید:

﴿ إِنَّمَا نُنْعَمُكُمْ لُؤْجِهَ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا ﴾ (۱) ﴿الإنسان: ۹﴾

«ما شما را به محض رضایت خداوند خوراک می‌دهیم و از شما پاداش و سپاسگزاری نمی‌خواهیم» و این نوع معامله و عدم انتظار پاداش و سپاسگزاری در مورد خانواده و فرزند بیشتر مورد تأکید است.

۲۱- قرار دادن امور سودمند در برابر چشمان خود و مشغول ساختن ذهن در انجام و تحقق بخشیدن به آنها و عدم تفکر و خیال پردازی در کارهای بی فایده.

۲۲- انجام دادن اعمال کنونی، نینداختن کار امروز به فردا تا برای انجام کارهای آینده نیروی فکر و عمل لازم را داشته باشد.

۲۳- در انتخاب علوم و کارهای مفید، اول مهمترین آنها به ترتیب اهمیت آنها را انتخاب کند و خصوصاً آنچه را که رغبت بیشتری به آن داشته باشد و در انجام آن از خداوند استعانت ورزد و اگر مصلحت اقتضا نمود با دیگران به مشورت پردازد و با توکل بر خداوند تصمیم نهایی را اتخاذ نماید.

۲۴- با زبان و قلب به بازگو کردن نعمت‌های مادی و معنوی و سپاسگزاری از آن نعمتها پردازد زیرا شناخت نعمتها و تحدّث به آنها غم و اندوه را می‌زداید و بنده را بر شکر و سپاس ترغیب می‌نماید.

۲۵- در برخورد با همسر و خویشان و کسانی که به نحوی در زندگی با وی ارتباط دارند هرگاه از آنها عیب و ایرادی دید آنرا با سایر خصایل نیک و اعمال خوب وی تطبیق نماید تا عیب وی جلب توجه ننماید و از خصلت نیک وی چشم ببوشد با این نوع نگرش ادامه زندگی بیشتر تداوم می‌یابد و فرد از غم و اندوه رها می‌گردد و به شرح صدر نایل می‌آید، و از مسلم روایت است که پیامبر ﷺ فرموده است: «لا یفرک مؤمنٌ مؤمنةً إن کرهَ منها خلقاً رضیَ آخرَ»^۱.

هیچ مرد ایمان‌داری، زن ایمان‌داری را طرد و قطع رابطه ننماید اگر از بعضی اخلاق وی ناراضی بود، از اخلاق‌های دیگر وی راضی می‌گردد.

۲۶- دعا جهت اصلاح تمام امور و بزرگترین و برترین آنها عبارت است از: «اللهم اصلح لی دینی الذی هو عصمةُ امری و دنیایَ الّتی فیها معاشی و آخرتی الّتی إلیها معادی، واجعل الحیاةَ زیادةً فی کلِّ خیرٍ، و الموتَ راحةً لی من کلِّ شرٍّ»^۲.

خدایا! دینم را که سبب عصمت و نگهداری از لغزشهاست و دنیایم را که محل کسب معاشم می‌باشد و آخرتم را که برگشتم به آن است اصلاح گردان و هر خیری را در زندگی قرار دهید و مرگ را از هر شر دیگری برایم آسان

۱. مسلم، ۳/۱۰۹۱.

۲. مسلم، ۴/۲۰۸۷.

گردان و خدایا! رحمت تو را می‌طلبم و لحظه‌ای مرا به نفسم واگذار مکنید و تمام کارهایم را اصلاح کنید هیچ معبود به حقی جز تو نیست.

۲۷- جهاد در راه خداوند «جاهدوا فی سبیل الله» جهاد در راه خداوند بابتی از ابواب بهشت می‌باشد خداوند به وسیله آن غم و اندوه را می‌زداید و این اسباب و وسایلی را که ذکر کردیم علاج سودمندی است برای بیماری‌های درونی و بزرگترین سبب معالجه قلق درونی است برای آنکه در آنها تدبیر نماید و با صدق و اخلاص به آنها عمل نماید و برخی از علما، بارها حالات درونی و بیماری‌های درونی را با آن معالجه نموده‌اند و از آن سود فراوان برده‌اند.^۱

۵- معالجه دمل و زخم

سُفیان انگشت اشاره‌اش را بر زمین گذاشت سپس آنرا بلند کرد و گفت: به نام خدای خاک، زمین ما با آب دهان عده‌ای از ما، با اذن پروردگاران سبب شفای بیمارانمان می‌گردد و پیامبر ﷺ هرگاه کسی اظهار درد می‌نمود و یا دمل و زخمی داشت به این عمل دستور می‌فرمود و حدیث به این معنی است که آب دهانش را بر انگشت اشاره می‌ریخت سپس آنرا به خاک فرو می‌برد و با انگشتش خاک برمی‌داشت و آنرا بر موضع زخم یا درد می‌مالید و در حال مالیدن موضع درد این دعا را می‌گفت.^۲

۶- علاج و گرفتاری

۱. مقدمه الوسایل المفیده، چاپ پنجم، ص ۶.

۲. فتح الباری، ۲۰۶/۱۰ و مسلم، ۱۷۲۴/۴، شماره ۲۱۹۴.

﴿ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٢٢﴾ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿٢٣﴾ ﴾ الحديد: ۲۲ - ۲۳

«هیچ رخدادی در زمین به وقوع نمی‌پیوندد، یا به شما دست نمی‌دهد، مگر اینکه پیش از آفرینش زمین و خود شما در کتاب بزرگ و مهمی بوده است و این کار برای خدا ساده و آسان است* این بدان خاطر است که شما نه بر از دست دادن چیزی غم بخورید که از دستتان بدر رفته است، و نه شادمان بشوید. بر آنچه خدا به دستتان رسانده است، خداوند هیچ شخص متکبر فخرروشی را دوست نمی‌دارد.»

﴿ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ، وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١١﴾ ﴾ التغابن: ۱۱

«هیچ واقعه و حادثه‌ای جز به فرمان و اجازه خدا رخ نمی‌دهد و هر کس که به خدا ایمان داشته باشد، خدا دل او را رهنمون می‌گرداند و خداوند از هر چیزی کاملاً آگاه است.»

- ۱- هر بنده‌ای هنگام دچار شدن به گرفتاری بگوید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. اللَّهُمَّ أَجْرُنِي فِي مَصِيبَتِي وَأَخْلَفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا» خداوند در مصیبت وی را مأجور نموده است و بهتر از آن برای او خیر قرار داده است.^۱
- ۲- هرگاه فرزند بنده‌ی خدا بمیرد خداوند به فرشتگانش می‌فرماید آیا روح فرزند بنده مرا گرفتید؟ فرشتگان می‌گویند؟ آری، و خداوند می‌فرماید: روح

۱. مسلم، ۲/۶۳۳.

جگرگوشه‌ی او را گرفتید؟ می‌گویند: آری و خداوند می‌فرماید: به بنده‌ام چه گفت؟ می‌گویند حمد تو را به جایی آورد و طلب رجوع کرد «انا لله و...» پس خداوند می‌گوید برای بنده‌ام در بهشت خانه‌ای بسازید و آنرا بیت حمد بنامید.^۱

۳- خداوند می‌فرماید: هرگاه روح برترین و محبوب‌ترین اهل و خانواده‌ی بنده‌ام را بگیرم و او به آن رضایت نماید جز بهشت برای او جایگاهی نیست.^۲

۴- و پیامبر به مردی که پسرش مرده بود فرمود: «أَلَا تَحِبُّ أَنْ لَا تَأْتِيَ أَبَاكَ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ إِلَّا وَجَدْتَهُ يَنْتَظِرُكَ» آیا دوست نداری که به یکی از ابواب بهشت بیایید و بچه‌ات را بیابید که در انتظار توست.

۵- هرگاه بنده‌ام را به دو حبه‌اش (چشمانش) ابتلا کردم و او صبر نماید و [رضایت داشته باشد] به جای چشمانی که از او گرفته‌ام بهشت را به او می‌دهم.^۳

۶- هر مسلمانی به بیماری یا چیز دیگری گرفتار آید [و شکوه ننماید] خداوند همچنانکه درخت برگهای خود را می‌ریزد گناهان وی را از بین می‌برد.

۷- هر مسلمانی اگر خاری به بدن وی فرو رود به وسیله آن برای وی درجه و ثوابی مکتوب می‌گردد و به سبب آن گناهی از او می‌زداید.

۱. ترمذی، صحیح الترمذی، ۲۹۸/۱.

۲. بخاری، مع الفتح الباری، ۲۴۲/۱۱.

۳. بخاری مع الفتح الباری، ۱۱۶ / ۱۰.

۸- خستگی و درد و بیماری و اندوه و حتی غصه‌ای که باعث دل‌تنگی او می‌شود هرگاه بر انسان مؤمن عارض گردد خداوند به سبب آن گناهان وی را پاک می‌گرداند.

۹- بزرگی جزا و پاداش به نسبت بزرگی بلا و آزمایش است و هرگاه خداوند بخواهد قومی را دوست بدارد آنان را ابتلا می‌نماید پس هر کس رضایت نشان داد رضایت خداوند برای وی حاصل گردد و هر کس اظهار نارضایتی نماید خشم خدا برای او حاصل می‌گردد.

۷- درمان غصه و اندوه

۱- هرگاه بنده‌ای به غصه و اندوه گرفتار آید و دعای (زیر را) بخواند خداوند حزن و غصه را از دل او زدوده و به جای آن مسرت و شادی به وی عطا نماید: «خدایا من بنده تو و پسر بنده تو و پسر کنیز تو پیشانیم در دست قدرت توست حکم تو درباره من قطعی و قضاوتت در مورد من عادلانه است و ترا به هر نامی که خود را به آن خوانده‌ای و یا در کتابت نازل کرده‌ای و به هر کدام از بندگانت قرا داده‌ای و در علم غیب نزد خود گذاشته‌ای از تو می‌خواهم که قرآن را بهار دلم گردانی و آنرا نور سینه‌ام و سبب زدودن حزن و اندوهم گردانی».^۱

۲- خدایا من از غصه و اندوه و ناتوانی و ضعف و بخل‌ورزی و ترسویی و کجی در دین و چیره شدن مردمان بر خود به تو پناه می‌آورم.^۲

۱. احمد، ۳۹۱/۱ و آلبانی آنرا صحیح دانسته است.

۲. بخاری، ۱۵۸/۷، پیامبر این دعا را زیاد تکرار می‌کرد، نگاه: فتح‌الباری، ۱۷۳/۱۱.

۸- درمان سختی و فشار

- ۱- معبود به حقی جز خداوند بزرگ، بردبار نیست، معبودی جز خداوند پروردگار عرش، والا نیست، معبودی جز خداوند پروردگار آسمانها و پروردگار زمین و پروردگار عرش والا و عالی مرتبه نیست.^۱
- ۲- خدایا به رحمت تو امیدوارم لحظه‌ای مرا به نفسم وامگذار و تمام حالاتم را اصلاح نما معبود بحقی، جز تو نیست.^۲
- ۳- معبود به حقی جز تو نیست، منزّه و پاکی و من از ستمکارانم.^۳
- ۴- خداوند پروردگارم است و برای او انبازی قرار نمی‌دهم.^۴

۹- درمان و معالجه مریض برای خود

«بر روی قسمتی که درد و الم دارد دست بگذارید و بگو: «بسم الله» (سه بار) و هفت بار بگویید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ وَقُدْرَتِهِ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ وَأُحَاذِرُ»^۵.

- ۱۰- هر مسلمانی که به عبادت مریض برود و او نمرده باشد و هفت بار بگوید: از خداوند بزرگ می‌خواهم ترا شفا دهد، تندرست می‌گردد.

۱. بخاری، ۱۵۴/۷ و مسلم، ۲۰۹۲/۴.

۲. ابوداود، ۳۲۴/۴ و احمد، ۴۲/۵، آلبانی و عبدالقادر ارنووطی آنرا صحیح دانسته‌اند.

۳. ترمذی، ۵۲۹/۵، و حاکم و ذهبی، ۵۰۵/۱، نگاه: صحیح الترمذی، ۱۶۸/۳.

۴. ابوداود، ۸۷/۲، نگاه: ابن ماجه، ۳۳۵/۲.

۵. مسلم، ۱۷۲۸/۴.

۱۱- معالجه: اضطراب و هراس در خواب

«از خشم و عذاب خداوند و شر بندگان او و از وسوسه‌ها و تحریکات شیاطین و از اینکه نزد من حضور یابند به کلمات تامّه خداوند پناه می‌برم.»

۱۲- معالجه تب

از پیامبر ﷺ روایت شده است که فرمود: «الحمى من فيح جهنم فأبردوها بالماء»^۱ تب از گرمای جهنم است آنرا با آب سرد خنک نمائید.

۱۳- معالجه گزیدن و نیش زدن

۱- خواندن سوره حمد همراه با جمع نمودن بزاق دهان و بر روی محل نیش تف می‌گردد.^۲

۲- خواندن سوره کافرون و مُعَوِّذَتَيْنِ با آب و نمک بر روی محل گزیده شده مالش داده می‌شود.^۳

۱۴- معالجه غضب و خشم

درمان غضب و عصبانیت به دو صورت انجام می‌گیرد.

طریق اول: پیشگیری

۱. ابوداود، ۱۲/۴، و نگاه: صحیح الترمذی، ۱۷۱/۳.

۲. فتح الباری، ۱۰.۱۷۴، و مسلم، ۱۷۳۳/۴.

۳. طبرانی در صحیح الصغیر، ۸۳۰/۲، نگاه: مجمع الزوائد، ۱۱۱/۵.

با اجتناب از اسباب غضب می‌توان از آن پیشگیری نمود.
این اسباب عبارتند از: کبر و غرور، خودبزرگ‌بینی، فخر فروشی، طمع ناروا، شوخی بی‌مناسبت، مسخره و مزاح و امثال اینها.

طریق دوم: علاج غضب در هنگام وجود آن

در چهار نوع خلاصه و محدود می‌گردد:

- ۱- پناه جستن به خداوند از شیطان رانده شده.
- ۲- وضوء گرفتن.
- ۳- تغییر حالت و موقعیتی که فرد خشمگین بر آن قرار گرفته است. مثلاً با نشستن و یا دراز کشیدن و یا بیرون رفتن و یا با قطع کردن سخن حالت خود را تغییر دهد.
- ۴- آنچه را که درباره ثواب و جزای خشم فرو خوردن در متون دینی آمده است و آنچه را که درباره عذاب و خواری خشم آمده است به یاد بیاورد.^۱

۱۵- معالجه با سیاهدانه

پیامبر ﷺ فرموده است: «إِنَّ فِي الْحَبَّةِ السَّوْدَاءِ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّامَ» در سیاهدانه بهبودی هر درد و بیماری هست جز مرگ نباشد.

۱۶- معالجه با غسل

۱. آفات اللسان، ص ۱۱۰-۱۱۲، و الحکمة فی الدعوة إلى الله، ص ۶۴-۶۶، از نویسنده.

۱- خداوند در قرآن درباره زنبور عسل می‌فرماید:

﴿يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ، فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ
يَتَفَكَّرُونَ﴾ النحل: ۶۹

«از درون زنبورها عسل، مایعی بیرون می‌تراود که رنگهای مختلفی دارد که در این بهبودی مردمان نهفته است.»

و از پیامبر ﷺ روایت شده است که فرموده است:

«الشفاء في ثلاثٍ: في شرطة محجم، أو شربة عسل، أو كية بنار، وأنا أنهي أمتي عن...»^۱
«در سه چیز شفاء و بهبودی یافت می‌گردد؛ در خون گرفتن با حجامت، عسل،
داغ کردن با آتش، و من اتمم را از داغ نمودن نهی می‌نمایم.»

۱۷- معالجه با آب زمزم

۱- از پیامبر ﷺ روایت گردیده است که درباره آب زمزم فرموده است: «اب زمزم

مبارک است همانا آن خوراک خوشمزه‌ای و شفای بیمار است.»^۲

۲- حدیث جابر «ماء زمزم لما شرب له» - به نیت و قصدی که نوشیده شده است به
نوشنده آن فایده می‌رساند.

۳- پیامبر ﷺ آب زمزم را در مشک‌ها حمل می‌کرد و بر روی بیماران می‌ریخت
و به آنان می‌نوشاند و ابن القیم رحمته الله می‌گوید: من و غیر من از استشفاء به آب

۱. فتح الباری، ۱۳۷/۱۰، نگاه: در فوائد العسل زاد المعاد، ۴/۵۰-۶۲.

۲. مسلم، ۴/۱۹۲۲، مجمع الزوائد، ۳/۲۸۶.

زمزم، امور شگفتی را تجربه کرده‌ایم و از چند مرض به وسیله آن شفا جستیم و به اذن خداوند بهبود یافتیم.

۱۸- مداوا و معالجه بیماریهای قلب

قلب سه نوع می‌باشد:

۱- قلب سلیم: قلبی است که در قیامت سبب نجات صاحبش می‌گردد:

﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿۸۸﴾ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿۸۹﴾﴾ الشعراء: ۸۸ - ۸۹
آن روزی که اموال و فرزندان سودی نمی‌رسانند* بلکه تنها کسی که با دلی سالم به پیشگاه خدا آمده باشد.

قلب سلیم قلبی است که از هر شهوت و آرزوی مخالف با امر و نهی خدا و از هر شبهه‌ای که با گفتار خداوند تعارض داشته باشد سالم و به دور باشد از عبودیت ماسوای او و از پذیرش حکمی جز حکم رسول او محفوظ و بدور باشد.

و خلاصه اینکه در آن هیچ شریک غیرخدایی نباشد و بلکه از لحاظ عبودیت مانند محبت، توکل، انابه، تواضع، خوف و امید، برای خداوند خالص گردیده باشد حب و بغض و عطاء وضع وی برای خداوند باشد و جسم او کردار او و خواب و بیداری او سخن گفتن او و حرف زدن او برای خدا باشد و افکار وی بر حول خداوند و رضایت او بچرخد^۱، از خداوند متعال چنین قلبی را خواستاریم.

۱. نگاه: إغاثة اللهفان من مصائد الشيطان، ابن القيم الجوزیه، ۷/۱ و ۷۳.

۲- قلب میّت: برعکس قلب سلیم است و آن قلبی است که پروردگار خویش را نمی‌شناسد و براساس امر و حب و رضایت خداوند عبادت نمی‌نماید و بلکه با آرزو و شهوات خود در برابر خداوند ایستاده است و برای غیر خداوند پرستش می‌نماید و حب و خوف و امیدش برای غیر خداست و اگر دوست بدارد برای آرزو و هوای نفسانی خود می‌باشد و بغض و عطاء و منع وی برای هوای نفسانی است و هوی و آرزو پیشرو و قائد وی می‌باشند و سوق دهنده وی به سوی انجام عمل جهل است و مرکب وی غفلت است، از این نوع قلب به خداوند پناه می‌بریم:

۳- قلب مریض: قلبی است که دارای حیات است و از آن طرف نیز بیمار است و دو چیز هر کدام به نوبه خود او را به طرف خویش می‌کشانند، از طرفی محبت خدا و ایمان و اخلاص و توکل بر خداوند در آن یافت می‌شود و آن هم ماده حیات آن است و از طرف دیگر محبت شهوات حسد و غرور و خودبزرگ‌بینی نفاق و ریاء و بخل را داراست و آن ماده و عامل هلاک و ضایع شدن آنست.

و علاج قلب از تمام بیماری‌ها قرآن آنرا بیان کرده است و می‌فرماید:

﴿يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ

لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾ یونس: ۵۷

﴿وَنُزُلٌ مِّنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا ﴿٨٢﴾

الإسراء: ۸۲

بیماری‌های قلب دو نوع می‌باشد

نوعی صاحب آن اکنون احساس درد و رنج نمی‌نماید و آن عبارتند از وجود جهل، شبهات، تردید و شک، و این بزرگترین نوع درد است اما به سبب فساد قلب احساس نمی‌شود.

و نوع دیگر آن مرض است که فی الحال دردآور است مانند غصه، اندوه، خشم، و این بیماری با داروهای طبیعی نیز از بین می‌رود.

و علاج قلب به چهار صورت انجام می‌گیرد:

۱- به وسیله قرآن کریم؛ چون قرآن شفاء و بهبودبخش است برای آنچه که در درون می‌باشد و انواع شرک و چرک کفر و امراض شهوات را می‌زداید و قرآن برای کسی که از حق شناخت پیدا کرده باشد و بدان عمل نماید راهنماست و کسانی که هم به آن دست می‌یابند مایه رحمت دنیوی و اخروی آنها می‌گردد:

﴿أُوْمَنَ كَانَ مِيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي

الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا﴾ الأنعام: ۱۲۲

«آیا کسی که مرده‌ای بوده است و ما او را زنده کرده‌ایم و نوری را فرا روی او قرار داده‌ایم که در پرتو آن، میان مردم راه می‌رود آیا مانند کسی که به مثل‌گویی در تاریکی‌ها فرو رفته است.

۲- قلب به سه چیز نیازمند است:

الف) آنچه نیرو و توان او را حفظ نماید و آن هم عبارت است از؛ ایمان و عمل صالح و انجام اقسام عبادات.

ب) پیشگیری از عوامل مضرّ و آن هم نیز با اجتناب از معاصی و انواع مخالفت با قانون خداوند انجام می‌گیرد.

ج) خود را تخلیه نمودن از اخلاق و خصوصیات فاسده و آن نیز با توبه و استغفار حاصل گردد.

۳- علاج بیماری قلب از چیره شدن نفس بر آن: دارای دو علاج است یکی؛ محاسبه و حسابرسی نفس، دوم؛ مخالفت با آن و محاسبه نیز دو نوع است:
الف) نوعی از محاسبه قبل از انجام عمل است و آن هم دارای چهار قسم است:

۱- آیا این عمل بر او مقدور و ممکن است؟

۲- آیا انجام این عمل از ترک آن بهتر است؟

۳- آیا هدف از انجام این کار رضایت خداوند است؟

۴- آیا در این عمل کسی او را یاری و نصرت می‌نماید اگر چنانچه نیاز به یاری و کمک دیگران بود؟ اگر جواب سؤالهای فوق مثبت بودند فرد خود را بر انجام آنها اقدام نماید و در غیر این صورت نباید به انجام آنها پردازد.

ب) نوع دیگر از معالجه قلب از چیره شدن نفس بر آن بعد از انجام عمل درمان می‌گردد و به سه طریق انجام می‌پذیرد.

۱- محاسبه و حسابرسی نفس بر طاعت و رعایت حق الله که در آن قصور ورزیده و به نحو مطلوب آنرا انجام نداده باشد و حقوق خداوند عبارتند از: اخلاص، متابعه، شکر نعمت، درک احسان و نیکویی، و ...

۲- محاسبه نفس بر هر کرداری که ترک آن از انجام آن بهتر باشد.
 ۳- محاسبه نفس بر امر مباح و یا معمولی که آنرا انجام نداده باشد و آیا هدف از ترک آن خدا و قیامت بوده است تا بهره‌مند گردد یا هدف وی در ترک آن دنیوی بوده است و ضررمند گردد.

خلاصه اینکه نفس خود را بر انجام فرائض محاسبه نماید و اگر در آن قصور ورزیده است آنرا کامل گرداند، و بعد از آن بر ترک مناهی نفس خود محاسبه نماید و اگر مرتکب گناه شده است با توبه و استغفار آنرا جبران نماید و سپس نفس را بر آنچه که با جوارح انجام داده محاسبه نماید و در آخر آنرا بر غفلت محاسبه نماید.^۱

۴- درمان و معالجه بیماری قلب از استیلاهی شیطان بر آن: شیطان دشمن انسان است و جدایی از او با استعاذه‌ای که خداوند مشروع نموده است ممکن می‌گردد و پیامبر ﷺ در روایت زیر استعاذه از شر نفس و شر شیطان را کنار هم و با هم جمع نموده است، و به ابوبکر صدیق می‌فرماید: «بگو خدایا ای خالق آسمانها و زمین، ای آگاه به غیب و شهادت، ای پروردگار و مالک تمام اشیاء، گواهی می‌دهم که معبود بحقی جز تو نیست، از شر نفسم و از شر شیطان و شرک او و اینکه بر نفس خود دچار بدی گردم و یا به مسلمانی بدی وارد نمایم به تو پناه می‌آورم. این دعا را هنگام صبح و شب و هرگاه به رختخواب رفتی بگویند.^۲

۱. إغاثة اللفهان، ابن قییم الجوزته، ۱۳۱/۱.

۲. ترمذی و ابوداود، نگاه: صحیح الترمذی، ۱۴۲/۳.

استعاذه، توکل، اخلاص از چیره شدن شیطان ممانعت می‌نمایند.^۱

و صلی الله و سلم علی عبده و رسوله محمد و علی آله
و أصحابه أجمعین و من تبعهم بإحسانٍ إلى يوم الدين

۱. إغاثة اللفهان، ۱/۱۴۵-۱۶۲.